



کارگر، به پیش!

(نشریه کارگری سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر)

شماره ۵

۸ خرداد ۱۳۵۸



انقلاب، با خون و رنج و فداکاری زحمتکشانشان به پیروزی رسید. ثمره آنها از این انقلاب چیست؟

فهرست

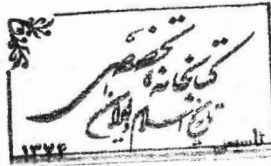
- ۳..... ۰ سرمقاله
- ۹..... ۰ چه کسانی ضد انقلابی هستند؟
- ۱۰..... ۰ ۱۴۰۰۰ کارگر پروژهای آبادان
- ۱۵..... ۰ چه کسانی مخالف اتحاد کارگران هستند
- ۱۸..... ۰ اتحاد تنه‌راه کارگران شهرک اکباتان است
- ۲۱..... ۰ تورم و تاثیر آن بر زندگی کارگران (۲)
- ۲۵..... ۰ وقتیکه وزارت کار کارگران شرکت آرمه را سر میدواند
- ۲۸..... ۰ کارگران راهپیمایی ۵۰۰ هزار نفری روز کارگر راهبری کردند
- ۳۲..... ۰ با تفرقه اندازیهای مدیر اجرایی "ارج" مبارزه کنیم
- ۳۸..... ۰ درود بر کارگران مبارز متوساک
- ۳۸..... ۰ چند نکته روز -
- ۴۲..... ۰ اخبار کارگری
- ۴۸..... ۰ صفحه خودتان =
- ۵۲..... ۰ کارفرما میبرد محصول رنج بیشمارم
- ۵۳..... ۰ اعتراضات رانندگان تاکسی مشهد
- ۵۴..... ۰ "مدت کاری" که کارگر در اختیار کارفرما میگذارد، کدام است

توضیح:

در نشریه شماره ۴، صفحه ۶۴، در خبر مربوط به کارگران "جین مد" تعداد اعضای سندیکا ۸ نفر نوشته شده، در حالیکه درست آن، تعداد مسئولان سندیکا است.



سرمقاله



• طبقه کارگر ایران، در راه ایجاد تشکیلات واقعی خود

کارگران نداشت، زیرا که آنها از کارگران جدا بودند. کارگران برای خودشان مبارزه میکردند و آنها هم برای خودشان! از همین جهت نتوانستند کارگران را متشکل و یکپارچه کنند، و نتوانستند آگاهی های طبقاتی و سیاسی را به درون کارگران ببرند. حتی با مبارزات چریکی خود، ذهن برخی از کارگران آگاه را از منافع و مبارزه طبقه خودشان (کارگران) هم منحرف کردند.

کارگران میهن ما، در مبارزاتشان همیشه خودشان بودند و خودشان.

اما این نیروها، اکنون تا حدودی اصلاح شده اند. آنها تا حدودی شکل مبارزه خود را عوض کرده اند و تصمیم گرفته اند بمیان کارگران بروند تا به کارگران برای آگاه شدن و متشکل شدن در جهت ایجاد حزب طبقه کارگر، کمک کنند.

اگرچه برخی از نیروهای سیاسی جامعه و همچنین دانشجویانی که زندگی خود را وقف طبقه کارگر کرده و در راه آزادی کارگران مبارزه میکنند، در طی سالهای اخیر با کار کردن در کارخانه ها و زندگی در کنار کارگران، کمر همت به بردن

طبقه کارگر ایران، اینک در صدد است که در سها و اشاراتی را که از شرکت در مبارزه انقلابی مردم کشور ماطی یکی دو سال اخیر بدست آورده است، در عمل پیاده کند. بعد از سرنگونی رژیم دیکتاتور شاه، طبقه کارگر ایران، وارد در یک دوره جدید از مبارزات طبقاتی خود شده است و می رود تا با ایجاد تشکیلات واقعی خود، شکل و وحدت کارگران را عمیق تر کرده و مبارزات پرشکوه خود را با گام های اسنوارتر و مصممتری تا پیروزی کامل، ادامه دهد.

رژیم دیکتاتور شاه که سالها کارگران را با فشار و خفقان خود، اسیر کرده و مانع بسیار مهمی در بالارفتن رشد آگاهی سیاسی و طبقاتی کارگران بود، سرنگون شده است. مبارزه انقلابی و رو در رویی که مردم ستم دیده جامعه ما در طی یکی دو سال اخیر با رژیم مزدور شاه خائین داشتند، موجب شد که کارگران که سالها تحت فشار و خفقان و دیکتاتور رژیم پهلوی، از هرگونه آگاهی سیاسی محروم شده بودند، امکانات تازه ای برای رفع این کمبود خود بدست آورند.

نیروهای انقلابی طرفدار طبقه کارگر در طی سالهای اخیر، فداکاریها و شورا انقلابی زیادی از خود، نشان دادند. اما مبارزه شان نفعی به حال

عظمت آن آگاه هستیم . اما این شرکت فداکارانه و جانبازانه ، کاملاً پراکنده بوده و کارگران بدون اینکه در سازمان های صنفی و سیاسی خود متشکل شده و دارای حزب خود باشند ، در این انقلاب شرکت جستند .

ولی اکنون که به فداکاری ها و جانبازیهای کارگران در انقلاب اخیر نگاه میکنیم و نقش ارزنده آنها را در سرنگونی رژیم پهلوی در نظر میگیریم ، می بینیم که در عوض ، کارگران هیچ شرکت و دخالتی در قدرت سیاسی و اداره امور کشور ، ندارند .

حکومتی که اکنون سرکار آمده است ، در واقع ، هم حکومت سرمایه داران سازشکار است و هم حکومت افرادی منعصب و عقب مانده . طبعاً در چنین حکومتی ، دست غارتگران خارجی بطور کامل قطع نشده است و از همین جهت هم هست که توده های مردم ما و بخصوص کارگران ، وضع زندگیشان از گذشته ، بهتر نشده هیچ ، حتی بدتر هم شده است . هم اکنون ، گرانی و بیکاری کمر کارگران را شکسته است . ممکن است گفته شود که خوب ، انقلاب شده ، و خرابیهای بیجا وجود آمده که باید درست شود ، بسیار خوب ، ولی مسئله این است که برنامه های شان برای کارگران و زحمتکشها چیست ؟ آنها کدامیک از خواسته های اصلی کارگران را نظیر ۴۰ ساعت کار ، نظیر ملی شدن بانکها و ... قبول کرده اند ؟

بیکاری و پرداختن حقوق ماههای اخیر، درد مشترک میوه نما کارگرایرانی است .

آگاهی های طبقاتی و سیاسی بدون کارگران و متشکل کردن آنها بسته اند ، اما این فعالیت تا همین اواخر ، بسیار اندک و محدود بوده و هرگز نمی توانسته تأثیر قابل ملاحظه ای بر روی کارگران داشته باشد . از همین جهت است که می بینیم علاوه بر اینکه رژیم شاه بازور سرنیزه و ساواک خود ، از هرگونه آگاه شدن و متشکل شدن کارگران جلوگیری میکرد ، در واقع نیروها و افراد قابل ملاحظه ای هم نبوده اند که حاضر باشند با تلاش و فعالیت پیگیر و مداوم ، سعی در آگاه کردن و متشکل کردن کارگران بنمایند . اینست که کارگران میهن ما ، بقول معروف همیشه خودشان بوده اند و خودشان .

همانطور که گفتیم ، آن حالت انقلابی ای که در جامعه بوجود آمده بود تأثیر زیادی بر روی کارگران گذارده و آگاهی کارگران به حق و حقوق خود را به میزان زیادی بالا برده است . موج اعتصابات سراسری کارگران در نیمه سال گذشته ، بخوبی نشان دهنده این مطلب است .

کارگران در انقلاب مردم ایران ، فعلاً نه شرکت کردند ولی این شرکت پراکنده و بدون وجود سازمانهای واقعی کاری بود .

کارگران در جریان انقلاب ، با شرکت در اشکال مختلف مبارزاتی مردم از قبیل تظاهرات ، اعتصابات و قیام مسلحانه بهممن ، نقش عظیم خود را در سرنگونی رژیم سلطنت پهلوی و ضربه زدن به امپریالیسم (بخصوص آمریکا) نشان دادند . بخصوص اعتصابات پیگیرانه و مداوم کارگران صنعت نفت ، که بخوبی به اهمیت و



از نظر صنفی، مهمترین مسئله‌ای که اکنون کارگران ایران با آن روبرو هستند، مسئله بیکاری و نپرداختن حقوق و مزایای چندماهه اخیر آنهاست. این دردی است که میلیونها کارگروطن ماست، در آن مشترکند.

در شرایط فعلی، کارگران ما خیلی بیشتر از آنکه چوب سرمایه‌داران و متعصبان به حکومت‌رسیده را بخورند، چوب پراکندگی و ناآگاهی خودشان را می‌خورند. ضربه اصلی‌ای که بکارگران وارد می‌آید از آنجاست که کارگران تشکیلات سیاسی خودشان را که همان حزب طبقه کارگراست، ندارند.

البته اکنون موقعیت مناسبی بوجود آمده است تا طبقه کارگر ایران پایه‌های تشکیلات صنفی و سیاسی خود را بریزد. تشکیلات صنفی کارگران، بصورت اتحادیه های سراسری است و تشکیلات سیاسی کارگران، که سازمان رهبری‌کننده کارگران است همان حزب طبقه کارگر است، اما این موقعیت مناسبی که می‌گوئیم، چیست؟

کارگران در طی مبارزات طولانی‌شان برعلیه رژیم شاه و سرمایه‌داران بخصوص در طی همین یکی دو سال اخیر، تجربیات و درسهای گرانبهایی از نظر شناختن چهره بدکارگری و ضد خلقی رژیم شاه و سرمایه‌داران بدست آورده‌اند.

کارگران در طی مبارزات طولانی‌شان برعلیه رژیم شاه و سرمایه‌داران، تجربیات و درسهای گرانبهایی در باره ایجاد تشکیلات و سازمان‌های واقعی‌شان آموخته‌اند. با در نظر گرفتن تمامی اینهاست که در شرایط فعلی، کارگران میهن‌مآکانات بسیار زیادی برای اتحاد و متشکل شدن دارند.

البته سر راه آگاه شدن و متشکل

شدن کارگران، موانع و سختی‌های بسیار زیادی از طرف افراد و نیروهای متعصب و ضدکارگر بوجود می‌آید و خیلی اشخاص هستند که اتحاد کارگران را به ضرر خود میدانند. اما از آنجا که جواز عبور طبقه کارگر را، تاریخ صادر کرده است، دریا-یان این راه پریچ و خم، فقط پیروزی است که انتظار کارگران را میکشد.

به همین خاطر هم هست که می‌بینیم کارگران ما بخوبی نشان داده‌اند که با شایستگی تمام، به بهترین وجهی از این موقعیت جدید استفاده میکنند. کارگران به نیرو و توان خودشان ایمان دارند و با اتکا به همین نیروست که میتوانند در

کارگران پروژه‌ای بیکار آبادان و حومه" نام برد که این آخری به تنهایی حدود ۱۴۰۰۰ کارگر عضو دارد.

این شوراها و تشکیلات کارگری با فعالیت و ابتکار کارگران آگاه و مبارز تشکیل یافته و هم اکنون نقض بسیار مهمی در متشل کردن کارگران و بدست آوردن حق و حقوق آنها بعهده دارند. در پی ایجاد تشکیلات فوق، قدمهای ایجاد تشکیلات سراسری نیز از طرف آگاه‌ترین و مبارزترین کارگران برداشته میشود و کارگران آگاه در صددند تا هرچه زودتر و صحیح‌تر به این ضرورت جنبش کارگری پاسخ مناسبی بدهند.

مسئله باارزش‌تر و امیدبخش‌تری که مادراوضاع فعلی کارگران ایران شاهدش هستیم، سراسری شدن این تشکیلات کارگری است. کارگران که روز به روز آگاهی بیشتری به حقوق و منافع طبقاتی خود پیدا میکنند برای کسب منافع طبقاتی خود، ضرورت و لزوم تشکل و یکپارچگی راه روز از روز پیش بیشتر احساس میکنند، قدم را از تشکیل شوراها و سندیکاهای نیز فراتر گذاشته و به تشکیل شوراها و اتحادیه‌های چندکارخانه‌پردا خته اند.

امروزه کارگران حتی به تشکیل شوراهای شرکت چشمه کارخانه میسپردانند.

از جمله این تشکیلات سراسری می‌توان از " شورای مؤسسه اتحادیه‌های سراسری کارگران ایران" نام برد که در حال حاضر نمایندگان چندین سندیکا و شورای کارگری در آن شرکت دارند. علاوه

مبارزاتی که بخاطر بهبود شرایط کار و کسب حقوق پایمال شده‌شان میکنند، به پیروزی برسند.

کارگران باید در پی ایجاد تشکیلاتی بدست خود، از میان خود، و برای خود باشند.

با اتکا به همین نیروست که برای کسب قدرت سیاسی و شرکت در اداره امور کشور مبارزه میکنند. کارگران میهن ما روز بروز لزوم متشل شدن و آگاه شدن را بیشتر درک کرده و در نتیجه گام بگام در جهت ایجاد تشکیلات واقعی خود، به پیش میروند. تشکیلاتی که بدست خود و از میان خود و برای خود بوجود می‌آورند. و درست بهمین خاطر که کارگران روز بروز بیشتر درک میکنند که باید بر روی پاهای خود شان بایستند، است که ما شاهد ایجاد دهها شورا و سندیکای کارگری در طی ماههای اخیر بوده‌ایم.

از جمله این شوراها میتوان شورا- های کارگری در کارخانه های ارج، شو- فاژکار، تراکتورسازی تبریز، ماشین خاور، تکنوکار، آردو، چاپخانه آبادان، صنعت نفت، صنایع فولاد اهواز، کاترپیلارتهران، صنعتی جنرال، مرزا و بسیاری دیگر از شوراها در شهرستانهای مختلف کشور را نام برد.

همچنین کارگران بیکار، چه در تهران و چه در شهرستانها، دست به ایجاد تشکیلات وسیع کارگری زده‌اند. از جمله میتوان از " هیئت مؤسس شورای کارگران بیکار"، " کارگران اخراجی و بیکار شده اهواز و حومه" و "سندیکای

از قبیل اتحادیه‌ها و شورا‌های کارگری تازمانی که از یک مرکز رهبری کننده سیاسی برخوردار نباشند، می‌توانند به این هدف فوق‌جامه عمل بپوشانند؟ طبعاً نه. کارگران فقط در صورت داشتن یک حزب سیاسی است که می‌توانند به آزادی واقعی برسند. تشکیلات صنفی کارگری چون از یک رهبری سیاسی برخوردار نیست خیلی زود می‌تواند با حکومت سرمایه‌داری وسایرسر - مایه‌داران بسیار برسد و آلت دست سرمایه‌داران و دولت بشود. در صورتیکه کارگران وقتی دارای یک سازمان سیاسی آگاه باشند که به آنها آگاهی سیاسی داده و آنها را به دور خود متشکل کند، تنها آن وقت است که هرگز راه سازشی باقی نمی‌ماند و میدانیم که این سازمان سیاسی هم چیزی جز حزب طبقه کارگر نیست.

البته طبیعی است که مبارزه کارگران برای ایجاد تشکیلات و حزب واقعیشان چیزی نیست که به این آسانی‌ها امکان پذیر باشد. اگر چه ما موفق شده‌ایم رژیم محمد رضا شاه را سرنگون کنیم، اما هنوز این تمام کار نیست و ما هنوز نتوانسته ایم آزادیهای سیاسی را که در سایه آن، کارگران بتوانند آزادانه به تشکیل سازمانهای صنفی و سیاسی خود بپردازند، بدست آوریم.

براین، خبر تازه‌ای داریم از تشکیل شورای مشترک سه کارخانه ممتاز، تبریز و توکلی در آذربایجان.

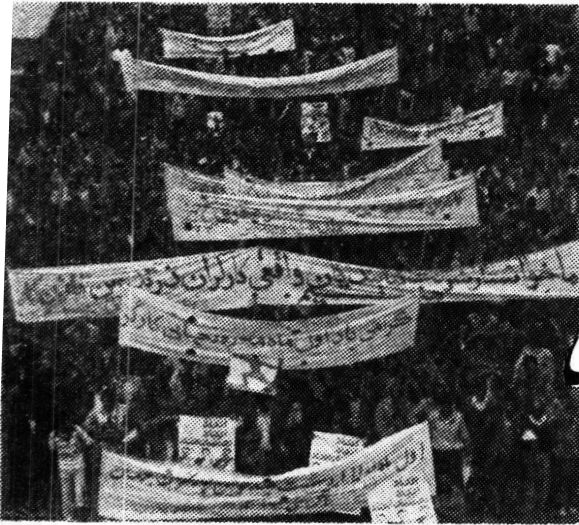
البته نمونه‌های شکل‌های بزرگ کارگری را تنها در این موارد نمی‌توان خلاصه کرد. شرکت متجاوز از ۱۰۰۰۰ کارگر در جریان راهپیمائی روز کارگر (اول ماه مه) که بدعوت شورای هماهنگی برگزاری اول ماه مه از خانه کارگرتهران آغاز شد، نمونه باشکوه دیگری از دستهای بهم پیوسته‌ای را بنمایش می‌گذارد که می‌رود تا نقش عظیم و حیاتی خود را در جامعه ایفا نماید.

طبقه کارگر ایران با ایجاد تشکیلات واقعی خود، می‌رود تا مبارزات پرستوه خود را با گامهای استواری پیش برد.

اما یک نکته بسیار مهم را که در این میان نباید فراموش کرد، این است که مبارزه کارگران فقط برای گرفتن یک سری امتیازات صنفی و سیاسی از سرمایه‌داران و حکومت سرمایه‌داری نیست. کارگران باید برای بدست آوردن آزادی سیاسی واقعی، آزادی که نه در یک رژیم سرمایه‌داری بلکه در جمهوری دمکراتیک خلق، که در آن کارگران در دولت نقش اصلی را دارند، آزادی‌ای که در پناه آن بتوانند هرچه بیشتر دور هم جمع شده و در سازمان‌های هرچه وسیعتر صنفی و سیاسی متشکل شوند، مبارزه کنند تا با استفاده از آزادیها یکه بدست آمده مبارزه را برای هدف‌نهایی خود یعنی مبارزه برعلیه نظام سرمایه‌داری و نابودی آن ادامه دهند.

اما برآستی تشکیلات کارگری





طبقه کارگر با ایجاد تشکیلات واقعی خودمیرود و تظاهرات پر شکوه خود را با گامهای استوارتری پیش برده

همانطور که دیدیم و شاهد بودیم که چگونه رژیم ضد خلقی شاه جنایتکار با تمام قدرت و نیروئی که داشت ، نتوانست در مقابل نیروی پایان نیافتنی خلقها ی میهن ما ایستادگی کند و سرانجام متلاشی شد ، همانطور هم در مقابل اراده کارگران و در مقابل تصمیم کارگران به متحد شدن و یک پارچه شدن ، هیچ نیروئی و با هیچ قدرتی نخواهد توانست سد راه کارگران شود . طبقه کارگر ما ، راه خود را با قدرت طبقاتی و پیش میروید و هر مانعی را از سر راه خود برخواهد داشت . آینده از آن کارگران است .

پیش بسوی اتحاد هر چه وسیعتر کارگران !
تا بویاد توطئه های تفرقه افکنانه عناصر
ضد کارگر !
پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر !

دستگیریها و کتک زدن ها ، بهم زدن اجتماعات کارگری ، کار شکنیهای که در سر راه فعالیت شوراها و سندیکا - های کارگری میشود و بسیاری نمونه های دیگر ، همه موانع و سدهائی هستند که از جانب نیروها و عناصر مرتجع ، متعصب و ضد کارگر ، بر سر راه شکل و وحدت کارگران ایجاد میشوند .

با وجود تمامی این مشکلات و موانع ، تا کنون شاهد بوده ایم که چگونه کارگران ما توانسته اند از لاک خود بیرون آمده و به صحنه سیاسی جامعه پا گذارده و با اتحاد و یک پارچگی ای که در بخشهای مختلف خود بوجود می آورند ، روز بروز نیروی واقعی خود را بیشتر نشان داده و بقدرت تاریخی خود ، بیشتر پی ببرند . وحدت و شکل کارگران ، یک ضرورت تاریخی است و هیچ نیروئی با هر قدرتی نمی تواند در مقابل آن ایستادگی کند .

تشکیلات کارگری اگر از یک مرکز رهبری کننده
سیاسی (حزب) برخوردار نباشد بدامان سرمایه داران میافتد !!

چه

کسانی ضد انقلابی هستند؟!

خیابان ۲۴ متری) آمده و با ما مذاکره کرد. مذاکرات در آنروز پایان نگرفت، در نتیجه روز پنجشنبه ۱۶ فروردین مجدداً در آن محل گرد آمدیم. در همین روز عده‌ای حدود ۲۰ نفر قبل از همه آمده بودند و در بین ما میگشتند و ضمن اینکه میگفتند شما ضد انقلابی و خائن هستید جمع را تحریک میکردند. حدود ساعت ۹ صبح دو نفر که با نشان دادن نامه‌ای خود را فرستاده کمیته امام در تهران معرفی میکردند (اسامی آنها موجود است و در صورت لزوم آنها را معرفی میکنیم.) وارد شده و ضمن اینکه میگفتند شما را گول زده‌اند، با این دید که ما برای گدائی آمده ایم پیشنهاد کردند که بیایید و نفری ۷۵۰ تومان بگیری و متفرق شوید. گویا مشکل بیکاری ما با این ۷۵۰ تومان حل میشود!! پس از رفتن آنها همان عده‌ای که از صبح مشغول تحریک کردن و توهین به ما بودند، با کمک عده دیگری که از طرف کمیته امام در اهواز آمده بودند با کمربند و پنجه بکس دو نفر از ما را مجروح کرده و جمعا ۲ نفر را دستگیر کرده و با خود به کمیته بردند، و ضمن توهین به تمام کارگران و بی احترامی به خواستهای ما، جمع ما را متفرق کردند. آیا خواست ما که کار

جنایات ساواک برای همه روشن است. با این حال ساواکی‌ها بطور پی در پی در جلوی نشست وزیری اجتماع میکنند و خواستهای خود را اعلام کرده و در کمال آرامش متفرق می‌شوند و هیچ کس هم مزاحم آنها نمیشود. ولی اجتماعات ما کارگران مرتب با حمله‌های وحشیانه روبرو شده و به شدیدترین شکلی مورد تهاجم قرار میگیرند. در نتیجه انقلاب عظیم مردم ایران که باعث شد رژیم ستمگرا شاه خائن سرنگون و به منافع اربابان غارتگرش ضربات مهلک وارد آید، تعداد زیادی از ما کارگران که همواره همدوش سایر افشار و طبقات در این بیکار خونین شرکت داشته ایم بیکار شده یا اخراج شده ایم. به همین جهت ما کارگران بیکار اهواز و حومه جهت اعلام آمادگی برای بازسازی مملکت و اعلام خواسته‌های خود در تاریخ ۵۸/۱/۱۴ در جلوی اداره کار جمع شده و خواسته‌های بحق خود را طی قطعنامه‌ای اعلام کردیم. همان روز عده‌ای از طرف کمیته امام آمدند و سه نفر از کارگران را دستگیر کرده و به کمیته بردند. روز بعد بمجرد تجمع، عده‌ای عناصر مشکوک بین ما آمدند و سعی در تحریک کارگران نموده و تهدید میکردند که باید متفرق شوید و این حرکت شما ضد انقلابی است. سپس نماینده‌ای از طرف اداره کار به محل تجمع (سالن سازمان کارگران سابق واقع در

... کارگر پروژه‌ها

- * چگونه چماقداران و چاقو کشان به کارگران حمله کردند؟
- * سر دسته چماقداران و سرمایه‌دار عضو کمیته امام هستند .
- * زخمی شدن سه کارگر .
- * رادیو، کارگران را ضد انقلابی خواند .

وقتی به تاریخچه "تشکیل" سندیکا ی کارگران پروژه‌ای فصلی آبادان و مبارزات این بخش از کارگران میهن مان توجه میکنیم و به یاد می‌آوریم که این کارگران، برای رسیدن به طبیعی‌ترین و معمولی‌ترین خواسته‌های خود چه زنجها و مشکلاتی را در پیش روی داشته‌اند بی اختیار بیاد کلیه کارگران میهن مان می‌افتیم . بیاد کارگران سایر شهرها از قبیل تهران تبریز ، اصفهان ، اهواز ، مشهد و خلاصه کارگران تمامی مناطق ایران .

امروزه در زمینه "صنعی" دو مسئله اساسی برای کارگران میهن مان مطرح است که عبارتست از "بیکاری" و "عدم پرداخت حقوق و مزایای چند ماهه اخیر" آنها . علاوه بر این دو مسئله ، مسائل بسیار دیگری هم برای کارگران مطرح است که مجموعه این مشکلات ، کمر کارگران را در زیر بار زندگی سراسر رنج و محنت شان ، خم کرده است . اما کارگران ساکت ننشسته و مبارزات پی گیری را در گوشه و کنار کشور برای رسیدن به این حقوق اولیه خود ، آغاز کرده‌اند .

از جمله این مبارزات ، تشکیل "سندیکای کارگران پروژه‌ای فصلی آبادان و حومه" است که حدود ۱۴۰۰ نفر کارگر در آن عضویت



یافته و متشکل شده‌اند . این ، یکی از بزرگترین تشکل‌های کارگری در ایران است . کارگران پروژه‌ای ، معمولاً به کارگرانستگ میگویند که بر روی طرح‌ها و برنامه‌های صنعتی و عمرانی کار میکنند . آنها استخدام رسمی نیستند و هر چند وقت ، با یک شرکت پیمان کاری و یا مقاطعه کاری قرار داد بسته و مشغول کار میشوند و پس از پایان کار شرکت ، دو سه ماه بیکار میشوند تا زمانی که کار تازه‌ای پیدا کنند یا این دسته از کارگران ، هیچگونه تأمین شغلهای نداشته و بیمه نیستند . برخی از این کارگران در حدود یکسال است که بیکارند

• سندیکا چگونه تشکیل شد؟

خوبست جریان تشکیل سندیکای کارگران پروژه‌ای فصلی آبادان و حومه : "در جریان انقلاب پر خروش خلق قهرمان ایران برای

کآبادان متشکل شده اند.

سند یکای کارگران پروژه‌های که قبلاً "تشکیل خود را به تصویب کمیته امام و فرمانداری رسانیده بود، بارها از رادیو تلویزیون خواسته بود که آگهی تشکیل آنرا برای جلب سائیر کارگران، پخش کنند اما بعد از ۲۵ روز تلاش، با این کار موافقت نشد. در حالی که با تشکیل اتحادیهء کارگران و تحصیل کرده‌ها، بلافاصله در رادیو نفت ملی با آب و تاب بسیار در آن مورد صحبت شد (۱)

لازم به تذکر است که تشکیل "اتحادیه کارگران و تحصیل کرده‌ها" بهیچوجه از جانب کارگران نبوده بلکه عمدهء تشکیل دهندگان آن را مقاطعه کاران و پیمانکارانی تشکیل می دهند که عمری خون کارگران را مکیده اند و حالا در کمیته‌های امام نفوذ کرده اند. بقول یکی از کارگران پروژه‌ای: "ما، در اقداماتی نظیر آنچه که بنام اتحادیه روی داده است، دست مقاطعه کارها را که یک عمر مثل زالو خون مان را مکیده اند، می بینیم. اینها در کمیته‌ها نفوذ کرده اند و می خواهند فتنه بپا کنند. می خواهند مثل همیشه کمر کارگران را بشکنند و بین آنها تفرقه بیندازند." با این ترتیب، بوضوح می بینیم که این اتحادیه، فقط برای ضربه زدن به سند یکای کارگران پروژه‌ای و از هم پاشاندن آن بوجود آمده و هدف آن، فقط این بوده که از تشکل و یکپارچگی کارگران جلوگیری بعمل آید. و گرنه با توجه به اینکه سند یکای کارگران پروژه‌ای، حتی با تأیید شورای انقلاب اسلامی آبادان، ستاد کمیته انقلاب اسلامی و فرمانداری شهرستان آبادان بوجود آمده است، دیگر

سانی که دانشگاههای کشور بروی مردم باز کرد، ما کارگران بیکار آبادان هم در اجتماع مردم در دانشکده نفت شرکت کرده و از فضای دموکراتیکی که ایجاد شده بود استفاده کرده و در طی جلساتی که در آنجا برگزار می شد، ضمن تماس با سایر کارگران بیکار به این نتیجه رسیدیم که لازم است که ما، یک سند یکا داشته باشیم.

قبل از اینکه این کارگران بتوانند در نتیجهٔ مبارزات پیگیر خود، مکانی را برای تجمعشان دست آورند، در قهوه خانه بوشهری ها را پاساژ الفی جمع شده و به ثبت نام اعضا و تنظیم دفاتر مختلف برای عضویت می پرداختند، در اینجا، بارها از طرف افراد مسلح میزگشتمند، در اینجا، بارها از طرف افراد مسلح میته به آنها حمله شده، برخی از آنها بگراستگیر میشدند، دفاترشان پاره می شد و صنعت قهوه خانه بیرون انداخته میشدند.

علم شدن اتحادیه قلبانی

علاوه بر این، در روزهایی که اساسنامه اکتند یکا نوشته شده و قرار بود تصویب شود، شغلرکهان تشکیلات تازه‌ای بنام "اتحادیه سران رگران و تحصیل کرده‌ها" در مسجد بهمانی ها اعلام موجودیت کرد و مدعی شدند که به کارگران بیکار مقداری پول بعنوان وجه استی پرداخت میکند.

را اتحادیه قلبانی "کارگران و تحصیل کرده‌ها" در اصل
برای از هم پاشاندن سند یکا بوجود آمد.

مأمورین مسلح کمیته بجای اینکه بیاری کارگر بشتابند، بر علیه کارگران شروع به تیراندازی هوائی می کنند که سرانجام با دخالت دارن ، اوضاع آرام می شود .

بعداً " معلوم شد که سر دستۀ ای چماقداران ، دو نفر از سرمایه داران آباد بنام های " محمود ذغالی " و " علی محمد " هستند ، که نفر دوم به همراه ۲ نفر دیگر چماق بدستان بوسیله کارگران دستگیر می شود . این دو نفر سرمایه دار ، هر دو اعضای کمیته امام هستند .

● تمت زون به کارگران

بعد از این حمله ناجوانمردانه ، شهر شایعات زیادی پخش میشود مبنی بر اینکه کارگران پروژه ای ضد انقلابی و اخلاقی هستند . حتی خود رادیوی نفت ملی هم کارگران را عناصری ضد انقلابی معرفی میکند و یا ادعا میشود که کارگران ، فرمانسدار دادستان را در فرمانداری به گروگان گرفتار بودند ! در حالی که صورتجلسه ای که کارگران به اتفاق فرماندار دادستان امضا کرده بودند خود بهترین گواه بر دروغ بودن این شایعه است .

اگر ما سازش کنیم به ۴ میلیون کارگر خیانت کرده ایم .

● محض کارگران

کارگران که می بینند در راه بدست آوردن حق و حقوق طبیعی شان کاملاً تنها هستند حتی برعکس از طرف کمیته امام و رادیو

تشکیل یک سند یکای دیگر ، چه معنائی دارد ؟ بقول خود کارگران پروژه ای : " این مسئله برای ما خیلی تعجب آور بود . زیرا این به اصطلاح اتحادیه کارگری دیگر از کجا بوجود آمد ؟ ما که سند یکای کارگران بیکار را با تأیید مراجع مسئول تشکیل داده بودیم . چگونه شد که وجه دستی را از طریق اتحادیه من در آوردی فوق میدهند ؟ ! "

● چماق بدستان و چاقو کشان جدید ضد کارگری

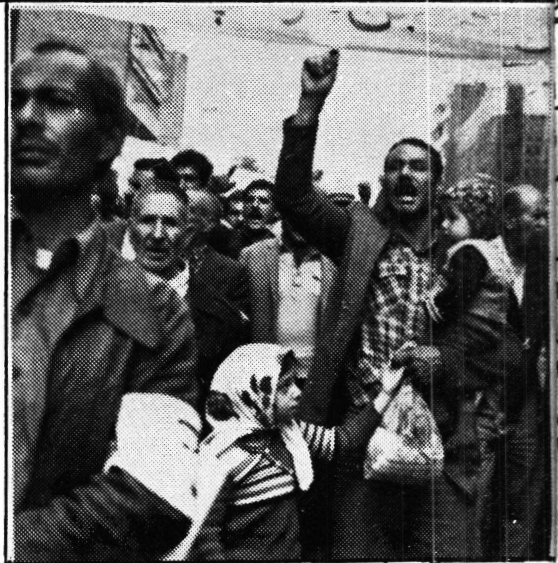
کارگران پروژه ای بعنوان اعتراض و روشن شدن جریان چگونگی تشکیل اتحادیه قلبی ، نمایندگانی از طرف خود به فرمانداری می فرستند تا در آنجا با فرماندار و دادستان مذاکره کنند . در حین مذاکره ناگهان عده ای افراد مشکوک به جلسه مذاکره حمله کرده و در حالی که با چوب و چاقو و سنگ مجهز بودند شروع به فحاشی به کارگران کرده و آنها را مورد حمله قرار می دهند . در این حمله نا جوانمردانه ، یکی از کارگران بنام " رنجبر " با چاقو مجروح میشود . دندانهای کارگر دیگری بنام " تورج قبادپور " را با مشتی که به دهانش میزنند خورد میکنند و دست کارگر دیگری بنام " لطیفی " را می شکنند .

چماق بدستان با چوب و چاقو و سنگ به نقره از کارگران را مجروح می کنند !

علاوه بر اینها ، کارگر دیگری بنام " اکبر زهر دست " را تهدید می کنند که خانه اش را آتش خواهند زد .

افراد مشکوک شیشه های فرمانداری را هم خورد می کنند . سر رسیدن مأمورین کمیته هم به هیچوجه کمکی به حل مسئله نمی کند چرا که

رگر
ارگر
دا
اس
بار
دی
را
می
دا
ل
ی
ب
ی
لالگ
ه
یک
ار
فت
م
م
سور
آورد
ستند
سو



می خورد، این بود که از ورود دانشجویان و دانش آموزان آگاه به داخل سندیکا جلوگیری می کردند. احتمالاً این کار برای این بود که بهانه های دست عناصر مرتجع و ضد کارگر ندهند البته این درست است که رفت و آمد دانشجویان و دانش آموزان به داخل سندیکا امکان مخالفت هایی را از جانب این عناصر به همراه داشت. اما نکته اساسی تر و مهم تر، لزوم بالا رفتن آگاهی های سیاسی کارگران است. این چیزی است که نه فقط کارگران پروژه ای آبادان، بلکه کلیه کارگران میهن ما، امروزه شدیدا بدان نیاز دارند. و به هر قیمتی شده باید از راه های مختلف، آگاهی سیاسی خود را بالا ببرند. رفت و آمد دانشجویان و دانش آموزان به داخل سندیکا، از جمله مواردی است که کمک بسیاری می تواند به این امر بکند.

کسانی که سنگ مذهب را به سینه میزنند مورد حمله قرار گرفته اند، بعنوان اعتراض به همه این برخوردهای ضد کارگری در محل سندیکا دست به تحصن می زنند. روز شروع تحصن یکشنبه ۱۹ فروردین بود.

در یکی از روزهای تحصن، عبدالمجید زرگر دادستان آبادان، نامه ای برای یکی از اعضای سندیکا فرستاده و او را برای ملاقات با خود، دعوت میکند. این عضو هم که فرد سازشکاری است بدون اینکه مسئله را با سایر همکارانش در میان بگذارد، دعوت دادستان را می پذیرد. اما سایر کارگران به وی اعتراض کرده و به دادستان می گویند: "ما یک نماینده نداریم و هیئت مؤسس داریم. بنابراین دادستان حق ندارد با یک نفر ملاقات کند. از آن گذشته ما تحصن هستیم و دادستان باید برای ملاقات ما به اینجا بیاید." و بدین ترتیب نشده دادستان را برای تفرقه انداختن در میان صفوف متحد کارگران، نقش بر آب می کنند. کارگران بدرستی می گفتند: "خواستہ ما، خواسته خودمان نیست و اگر ما سازش کنیم، به ۴ میلیون کارگر خیانت کرده ایم."

نکته ای که در جریان تحصن کارگران بچشم

خواسته های بحق کارگران پرورشی در طی تحصن:

- * ۱- مجازات عاملین توطئه از پیش طرح شده در فرمانداری، به تحریک و سرکردگی "علی محمدی" و "محمود ذغالی".
- * ۲- تکذیب خبر اعلام شده از رادیو نفت ملی، مبنی بر ضد انقلابی بودن کارگران پروژه ای، و اعاده حیثیت از طریق رادیو و تلویزیون.
- * ۳- برسمیت شناختن کامل سندیکای کارگران پروژه ای از طرف وزارت کار و امور اجتماعی.
- * ۴- انحلال اتحادیه قلابی به اسم مجهول و من در آوردی "اتحادیه کارگران و تحصیل کرده ها" در مسجد بهبهانیها.

اطلاعیه سندیکای کارگران پرورده‌ای آبادان

هموطنان شریف و آزاده

بسمه تعالی

ما کارگران پرورده‌ای ، سیزدهمین روز تحصن خود را سپری میکنیم . اما متأسفانه مسئولین امر ، در مقابل خواسته‌های بحق ما سکوت اختیار کرده اند .

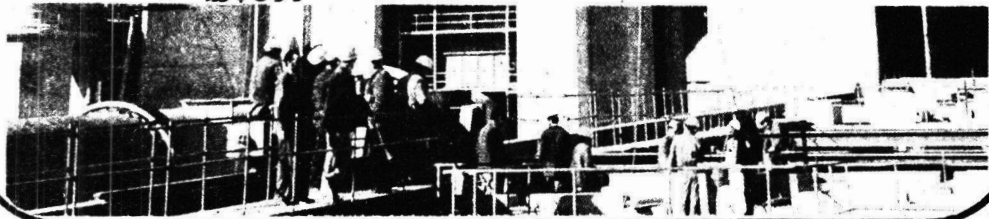
سیاست سکوت مقامات مسئول شهر آبادان باعث شده که عده ای مرتجع با استفاده از احسان سات پاك جوانان ناآگاه ، بتحرك آنان پرداخته و با برچسب زدن و اتهامات گوناگون ، ما را در مقابل فرزندان و برادران خود قرار دهند . حمله امروز (۵۸/۱/۳۱) عده‌ای قلد رو چاقو-کش به فرزندان و برادران دیپلمه مادر شهرداری آبادان ، یکی دیگر از توطئه‌های شوم این عناصر ضد انقلاب است . جوانان دیپلمه شهر ما دارای خواسته‌هایی برحقند .

از اینها گذشته ، آنان فرزندان ما کارگراند . آیا در مقابل حق طلبی ، روست که باجماع و چاقو بآنان حمله و در انظار مردم هتاک و بی حرمتی شود ؟ بدختران و خواهران دیپلمه ما وحشیانه ترین و غیر انسانی ترین اعمال ضد بشری از طرف کسانی که در ظاهر حافظ اسلام و عدالتند اعمال شده است . آیا باگفتن کلمات زشت شنیع از قبیل " آیا قرص ضد بارداری دارید ؟ " بخواهران متحصن از طرف یکمشت لات و چاقوکش ، دفاع از دستاورد های انقلاب است ؟ آیا پاره کردن پیراهن دیپلمه های اعتصابی که در حال ضعف بسر میبرند دفاع از انقلاب و رهنمود های امام خمینی است ؟ کدام مسلمان شرافتمند و آزاده در قبال دشمنان اسلام این قبیل اعمال را جایز میداند چه رسد به کسانی که خود فرزندان و خواهران ما هستند .

اعتصابیون دیپلمه که مورد یورش چماق بدستان ضد انقلابی قرار گرفتند با سرشکسته و خونین بخانه ما کارگران (سندیکا) پناه آورده اند . شرافت کارگری بما حکم میکند که مقدم این بیهمانسان را گرامی بداریم و وظیفه هر ایرانی شرافتمند آزاده میدانیم که در قبال حملات يك مشت مرتجع

و ساواکی و ناآگاه ، باخواهران و برادران دیپلمه اعلام همبستگی نمایند .
ما کارگران پرورده‌ای با قاطعیت تمام اعلام میکنیم در مقابل هرگونه تجاوز و توطئه ، ساکت ننشسته تا آخرین قطره خونمان از حقوق حقه خود و برادران و خواهرانمان دفاع خواهیم نمود و اجازه نخواهیم داد يك مشت ضد انقلابی مرتجع ، دستاورد های انقلاب را که حاصل ۹۰ هزار شهید بخون خفته است از ما بگیرند .

سندیکای کارگران پرورده ای



چه کسانی مخالف اتحاد کارگران هستند؟



کارگران بیکار و اخراجی اهواز که پی برده اند بصورت تک تک هرگز نمی توانند به حق خود برسند، از چندی پیش مشکل شده و در پی مکانی برای برگزاری اجتماعات سندیکائی و سخنرانی هستند. در این راه اگر چه بارها وزارت کار و کمیته امام با اشکال تراشی ها و کارشکنی های خسود، خواستند که از دادن مکانی بکارگران خودداری کنند، اما کارگران بالاخره در سایه تلاش و پشتکار خود و بعد از مدت ها مبارزه، دوندگی و مقاومت، موفق شدند سالن خانه کارگر (سازمان کارگران سابق) را جهت برگزاری اجتماعات سندیکائی شان، بدست آورند.

کارگران بیکار و اخراجی اهواز در اولین روز اجتماع خود (۱۴ فروردین) قطعنامه ای در ۴ ماده صادر کردند:

- ۱- لغو صندوق وام بیکاری که بدلیل مواد گداجانده شده در آن، اکثریت کارگران را در بر نمیگیرد.
 - ۲- پرداخت حق بیکاری با توجه به هزینه زندگی.
 - ۳- ایجاد کار فوری برای تمام کارگران بیکار و اخراجی.
 - ۴- تامین سالن بزرگتری جهت برگزاری اجتماعات کارگران.
- هنگامی که این اجتماع برگزار می شد، در پیرو از جلسه، افراد کمیته امام ۳ نفر را که در مقابل اداره کار، راجع به لزوم سندیکا و وحدت کارگران صحبت می کردند دستگیر می کنند.
- روز بعد، کارگران در دو بین تجمع خود، ضمن محکوم کردن دستگیری ۳ نفریاد شده، آزادی

بدون قید و شرط آنها را هم به خواستهای گانه فوق افزودند. در این جلسه افراد کمیته امام با بهانه هائی نظیر: "چرا عکس آقا را اینجائزده- اید" و "نباید چوب لای چرخ انقلاب گذاشت" و ۰۰۰ سعی کردند جلسه را بهم بزنند ولی بدلیل هوشیاری کارگران موفق باینکار نشدند. افراد کمیته امام در آخر جلسه بچند نفر از کارگران پیشرو گفته بودند که فردا جلسه شما را بهم می ریزم و همین کار را هم کردند.

روز ۱۶ فروردین بعد از تشکیل جلسه، یک نفر روحانی اهوازی بنام "مروج" بهشت تربیون رفت و شروع به صحبت کرد. او در ابتدای سخنان، نشانه ای رابه کارگران نشان داد مبنی بر اینکه نمایندگانی امام خمینی است، اما صحبت هائی که کرد هیچکدام نفعی برای کارگران نداشت و در آن اشاره ای به وضع زندگی کارگران، مشکل آنها و اینکه راه حل بیکاریشان چیست، نداشت. حتی برعکس، صحبت هایش موجب شلوغ شدن جلسه هم شد. چون در اواخر سخنانش کنایه می زد به اینکه "چرا عکس امام اینجا نیست و ۰۰۰". افراد کمیته امام و دانش آموزان ناآگاه و متعصبی که در آنجا حضور داشتند از این صحبت های وی، تحریک شده و سرو صدا و شلوغی راه انداختند و حتی با چند نفر از کارگران، دست به یقه شدند.

جلسه را بهم بریزند . و بالاخره با شعارهائـ
نظیر "حزب فقط حزب الله ، رهبر فقط روح الله
و "کارگر اسلام یاورتوست " جلسه را بهم ریختند
و شروع به زد و خورد با کارگران کردند و در ایستارگ
ضمن ، عده دیگری از افراد کمیته امام ۷ نفر راه
از کارگران را دستگیر کردند .

کارگران دستگیر شده ضمن اینکه خود رایش
معرفی نمیکنند ، دست به اعتصاب غذا میزنند
و افراد کمیته امام پس از انیت و آزار فراوان و برداش
اینور و آنور کارگران با دستهای دست بند زده نحه
بالاخره در ساعت ۱۰ شب آنها را آزاد میکنند ضم
بعد از این جریان افراد کمیته امام ، در
سالن خانه کارگر را قفل کرده و اجازه تجمع بـ
کارگران نمیدهند .

کارگران اهواز در طی این چند روز در سها
گرنیهائی آموختند . آنها با سیاستهای ضـ
کارگری کمیته امام اهواز آشنا شدند . آنها دیدند
که چگونه ابراهیمی با بی شرمی هرچه تمامتر درو
گفت . آنها دیدند که چگونه افراد کمیته امام
کارگران پیشرو و آگاه را ضد انقلابی و خرابکار
معرفی کردند . آنها دیدند که چگونه افراد
کمیته امام با تاکتیک "تفرقه بینداز و حکومت کن"
وارد میدان شده و کارگران را متفرق کردند
آنها به کارگران پیشرو میگفتند که : " شما فقط
حق دارید از طرف شخص خودتان صحبت کنید
و نباید از طرف جمع صحبت کنید . " اینراد را
نمی کردند که درد همه کارگران یکی است و آن
اینکه خطر گرسنگی کارگران و خانواده شـ
را تهدید میکند .

در حال حاضر عده زیادی از کارگران بیکار
برای گرفتن وام بیکاری در رفت و آمد هستند
البته نه به سرعتی که ابراهیمی وعده داده بود
مثلا کارگرانی که روز ۱۶/۱/۵۸ فیم وام بیکاری
را پر کرده بودند تا ۵ روز بعد هم موفق به دریافت
پول نشده بودند . یا کسانی که روز چهارشنبه
۲۲ فروردین برای دریافت فیم مراجعه میکردند
به آنها گفته میشد سه شنبه بعد مراجعه کنند و...

بعد از خوابیدن سر و صدا ، شخصی بـ
اسم " ابراهیمی " پشت تریبون رفت . او ضمن
پرخ کشیدن مبارزات اسلامیش در آمریکا و فرانسه
و اینکه فلان مدرکها را دارد و بدستور امام
تحصیلش را ناتمام گذاشته و به ایران آمده و اینکه
با و پیشنهاده پست استانداری خوزستان را کردند
و اوقبول نکرده و ۰۰۰ سعی کرد توجه حاضران
را به مقام والای خود جلب کند . ابراهیمی
در ادامه سخنانش حرف تازه ای گفت بلکه
همان طرح صندوق وام بیکاری وزارت کار را که
از طرف کارگران رد شده بود ، بدروغ طور دیگر
معرفی کرد . یعنی اینکه گفت : " دیگر شرط
پسینی وجود ندارد ، شرط بیمه مهم نیست و ...
(و روزهای بعد معلم شد که تمام این شروط
وجود دارد) و از این طریق کارگران را بخود
مشغول کرد و اعلام کرد که جلسه را خاتمه میدهد
و کارگرانی که احتیاج بیول دارند ساعت ۴ بعد
از ظهر بیایند جلوی تالار شهرداری .

● اشخاص متعصب و ضد کارگر ، زیر نام مذموب ،

اجتماع کارگران را بهم ریختند !

منظور اصلی ابراهیمی این بود که کارگران
ناآگاه را از جلسه بیرون بکشد و از تماس آنها
با کارگران مبارز و آگاه جلوگیری کند . در همین
رابطه بعد از رفتن ابراهیمی که کارگران مبارز سعی
میکردند جلسه را ادامه دهند ، افراد کمیته امام
اعلام کردند : " هرکه احتیاج فوری دارد همین
حالا میتواند برود شهرداری و پولش را بگیرد
و ... " ولی کارگران که به این دوز و کلک ها
آشنا شده بودند نرفتند . اینبار افراد کمیته
امام با پیش کشیدن مسائل عقیدتی ، شروع بـ
تهدید کارگران مبارز و نمایندگان موقت کارگران
کردند و با انواع توهین ها و فحشها سعی کردند

باین ترتیب کمیته امام با طرح وام بیکاری و رفیبرد ازبهای مشخص توانست کارگران دناآگاه را بخود جلب کند. ولی طرف دیگر قضیه کارگران بیکار و اخراجی پیشرو هستند که از راههای مختلف سعی در تجدید تشکل کارگران پیشبرد امور سندیکائی خود دارند. کارگران پیشرو با صدور اعلامیه ای با عنوان "چه کسانی ضد انقلابی هستند؟" عملیات کمیته امام را رافشا کرده اند. همچنین پشتیبانی خود را از تحصن کارگران بیکار در کاخ دادگستری در تهران اعلام کرده اند.

کارگران امواز

در طی این چند روز،

در سهامی گرا بنیامی آموختند.

قطعنامه کارگران احسراجی و بیکار امواز و حومه

اینکه که ما کارگران رنج دیده ایران انقلاب خود را با کمک سایر اقشار و طبقات مردم برهبری امام خمینی تا سرحد نابودی رژیم طاغوتی پهلوی و عقب نشاندن پشتیبانان غارتگر خارجی اش بجلو برده ایم و در این راه از بذل جان و مال خود دریغ نکرده ایم. در وحله اول از مسئولین وزارت کار میخواهیم که به خواسته های حداقل و فوری ما کارگران که طی اجتماع روز ۵۸/۱/۱۴ در محل "سازمان کارگران" قدیم بتصوب تمام کارگران رسید، توجه کافی نموده و هرچه زودتر جواب صریح و روشنی به این خواستها بدهند.

۱- آزاد کردن فوری کارگرانی که در تاریخ ۵۸/۱/۱۴ در رابطه با اجتماع ما توسط کمیته امام دستگیر شده اند.

- ۲- واگذاری محلی مناسب جهت اجتماعات و پیشبرد امر سندیکاهای کارگری.
- ۳- لغو طرح پیشنهادی وزارت کار در مورد صندوق وام بیکاری.
- ۴- پرداخت حق بیکاری در مواقع بیکاری با توجه به هزینه زندگی.
- ۵- ایجاد کار برای تمام بیکاران.

— کارگران اخراجی و بیکار امواز و حومه —
ضمناً از تمام کارگران و نیروهای انقلابی میخواهیم ما را در این راه یاری رسانند.

اتحاد

تنها راه کارگران شهرک اکباتان است



همانطور که میدانیم ، شهرک اکباتان در کنار میدان آزادی (شهید سابق) قرار دارد. در این شهرک که هزاران خانه آبار - تمانی در دست ساختمان است ، قسمتی از کارها به بخش خصوصی و پیمانکاران سپرده شده و این پیمانکاران ، طرف قرار داد شهرک هستند. از طرف دیگر ، کارگران شهرک هم بوسیله این پیمانکاران استخدام شده و فقط با پیمانکار قرار داد دارند و در نتیجه از طرف شهرک رسمی نیستند. راجع به دوز و کلک های این پیمانکارها ، داستانها میتوان گفت ، که هرچه بگوئیم باز هم کم گفته ایم. از همین جهت ما در اینجا بشرح فقط یکی از این دوز و کلک ها میپردازیم :

یکی از این پیمانکارها ، "حسن جوشکار" هست که قراردادی با شهرک دارد و کارهای جوشکاری و نرده کشی و نصب آسانسورهای فاز دوم شهرک را انجام میدهد. صد و پنجاه کارگر در استخدام " حسن جوشکار " هستند. راجع به ثروت حسن جوشکار که همگی از راه بهره کشی کارگران بدست آمده ، همین بس که میگوید ۴۰ دستگاه موتور جوش دیزل دارد که هر کدام را روزی ۸۰۰ تومان به شرکت اجاره داده است و روی هر موتور هم دو کارگر کار میکنند. اما غیر از این ، از راه دزدی و حقه - بازی هم مقدار زیادی پول به جیب میزنند. مثلاً حق بیمه را از کارگران کسر میکند اما عملاً کارگران هیچکدام بیمه نیستند. از طرف دیگر ، این پیمانکاران لیستی دارند که تمام خرج هائی را که در عرض یکماه کرده اند در آن مینویسند و آخر هر ماه به دفتر شرکت طرف قرار داد میدهند. اما این پیمانکارها ،

کارگر
به ا
هر د
جیکه
متحد
گذان

تمامشان با دفتر شهرک اکباتان زدوبند دارند. مثلاً همین " حسن جوشکار " به جوشکار درجه یک روزی ۷۰ تومان میدهد ولی در لیست رقمی بیش از ۱۰۰ تومان را می نویسد. همینطور به جوشکارهای درجه ۲ و ۳ که بهر کدام ۶۵م تومان و ۵۵ تومان میدهد، در لیست خیلی بیشتر مینویسد. البته همه حسابدارها و رئیس شرکت هم میدانند که این لیست دروغ است ولی با رشوه و باج و غیره، سروتد قضیه سر راه هم می آورند.

میشو

زدوه

میکه

صده

مقداد

حصار

حقو

ماده

نفر

که

باز

بر

کمی

رقمات حسن جوشکار با کارگران وحشیانه است
وحشی کارگران را کتک هم میزند!

رفتار حسن جوشکار با کارگران ، خیلی توهین آمیز و وحشیانه است. بکارگران فحش میدهد و حتی کتکشان میزند. کارگران هم از روی ناچاری نمی توانند جواب بدهند چون اکثرشان از نظر معافی و نظام وظیفه، وضع درستی ندارند ، کم سن و سال هستند و از شهرستان آمده اند. بیشتر از کرم شاه آمده اند و شب را هم در شهرک می خوابند. بدتر از همه اینست که این کارگران آکا هسی چندانی هم ندارند و نمی دانند که اگر در دورهم جمع شوند و با هم متحد شوند ، میتوانند در مقابل همه دوز و کلک های حسن جوشکار و سایر کله گنده های شهرک ، ایستادگی میکنند. مثلاً چند وقت پیش که کارفرما به کارگران توهین کرده بود ، دونفر از کارگران

که : " باید متفرق شوید ! " کارگران اعتراض میکنند که : " ما چند ماه است حقوق نگرفته ایم و این حسن جوشکار هم فراری بود . حالا بعد از اینهمه مدت ، امروز قرار است حقوق مان را بدهد . ما تا حقوق مان را نگیریم از اینجا نمیرویم . افراد مسلح کمیته که می بینند کارگران به هیچوجه حاضر نیستند از حق خودشان بگذرند ، دست به تیراندازی هواشی میزنند . در اثر تیراندازی شیشه های اطاق شکسته و تعدادی از کارگران زخمی میشوند . این



به او اعتراض میکنند اما کارفرما در جابجا هر دو را اخراج میکند ، بقیه کارگران هم جیکشان در نمی آید . در حالی که اگر با هم متحد بودند هم کارفرما را ادب کرده و نمی گذاشتند که دیگر بکارگران توهین کند و هم جلوی اخراج آن دو کارگر را میگرفتند .

خلاصه ، کارگران سه ماه حقوق از حسن جوشکار طلب دارند . آنها از او اوائل فروردین ، دنبال او میگشتند تا حقوق عقب مانده شان را بگیرند اما پیدایش نمیکردند ، تا اینکه ده پانزده روز بعد بشرکت آمده بود ، و در مقابل فشار کارگران ، قرار میشود روز ۲۵ فروردین ، کارگران به محل حسابداری بروند و حقوق عقب افتاده خود را بگیرند .

روز شنبه کارگران در حسابداری جمع میشوند . اما حسابدار که با حسن جوشکار زدوبند دارد از دادن حقوق کارگران خودداری میکند و میگوید که حسن جوشکار بمن فقط صد هزار تومان داده و ما هم نمیتوانیم این مقدار را به شما بدهیم . کارگران به حسابدار اعتراض میکنند که : " سه ماه است حقوق ما را نداده اید و قرار است امروز بدهید . ما دیگر نمی توانیم زندگی مان را بگذرانیم ... زن و بچه مان گرسنه هستند . "

حسن جوشکار " از راه خوردن حق کارگران دزدوبند باید بران شرکت ، کلی ثروت به جیب زده است . "

یکی از کارگران میگفت : " ۶۰ - ۵۰ نفر مان را که اخراج کرده ای از کجا معلوم که فردا همه ما صد نفر را اخراج نکنی ؟ " خلاصه ، کارگران حسابی حسابدار حق بازر را زیر فشار میگذارند و دست از سر بر نمیدارند . در این موقع ناگهان افراد کمیته سر میرسند و بکارگران اخطار میکنند

تعداد
کار
یست
مد
بهر
تیلی
تیس
ست
سه
خیلی
زفحش
ن هم
ند
یفه
تند
ماشاه
بدتر
گی
گر
بتوانند
وشکار
گی
ساده
گران



درفانون کار آینده :

جریمه و اخراج ممنوع!

آیا کارگری که جز نیروی کارش ، سرمایه‌های ندارد و کار میکند تا مخارج خود و خانواده - اش را تامین کند ، و سعی میکند همیشه سر کارش حاضر باشد تا محتاج کسی نگردد ، اگر برایش گرفتاری و مشکلی پیش آمد ، فرزندش و یا زنش مریض شد و ... که مجبور شد غیبت کند ، آیا باید جریمه شود ؟

آیا اگر کارگری در هنگام کار ، بواسطه دردها و ناراحتی‌های زندگی نتوانست کاملاً در کارش دقت کند و محصولی خراب شد ، باید جریمه شود ؟ آیا اگر کارگری بواسطه ظلمها و حق‌کشیهای کارفرما در کارخانه اعتراض کرد و یا دیگران را - بااعتصاب دعوت کرد ، باید اخراج شود ؟

آیا اگر کارگری زیر بار زور سرپرست ها و فورمن ها نفرت باید اخراج گردد ؟ وهزاران آیائی دیگر ...

پس اینهمه مبارزه که کردیم ، اینهمه شهید که دادیم ، اینهمه سختی که کشیدیم برای چه بود ؟

آیا غیر از این بود که برای برطرف کردن ناراحتیها و سختیهای زندگی مبارزه کردیم ؟ آیا غیر از این بود که برای اینکه زیر بار

زور نروم ، شهید دادیم ؟

اما حالا باید چه کنیم ؟

باید در کارخانه ها مان ، هرگونه زور و ظلمی را قدغن کنیم . باید در قانون کار آینده جریمه کردن و اخراج کارگران را توسط کارفرمایان ممنوع کنیم .

پیروز باد مبارزات حق طلبانه تمامی کارگران

عمل ما مورین کمیته شدت موجب خشم کارگران میشود. اما از آنجاکه هیچ سازماندهی ای نداشتند و نماینده‌ای هم انتخاب نکرده بودند ، کاری از پیش نبردند. کارگران می- گفتند : " حتما این کمیته‌ای‌ها هم طرفدار پیمانکار و شرکت هستند که به ماتیراندازی میکنند ، جمع ما را بهم میزنند و نمیگذارند حقوق مان را بگیریم ."

اتحادداشتن کارگران ، راه را برای زور

گویی و حق کنی حسن جو شکار باقی گذاشت

آری رفقای کارگر ! این نمونه‌ای است از صدها نمونه دیگری که هر روز همه ما شاهدیم و می بینیم که چگونه کارفرمایان از پراکندگی و نا آگاهی کارگران استفاده کرده و حق و حقوق آنها را بالامی کشند . تنهاراه ، اتحاد است و اتحاد . تنها راه ، ایجاد تشکیلاتی کارگری است تا کارگران در پناه آن تشکیلات ، بتوانند با نیروی متحد و یکپارچه ، به مبارزه در جهت بدست آوردن حق و حقوق خود پرداخته و پوزده کشف کارفرمایان و سرمایه داران را به خاک بمالند . ■



نفاق



اتحاد

تورم و تاثیر آن بر زندگی کارگران (۲)

خلاصه ای از شماره قبل

در شماره قبل گفتیم که " کم شدن ارزش پول " یا " اضافه شدن پول در دست مردم " بدون اینکه بر مقدار کالای مورد نیاز مردم در بازار افزوده شود و این پول اضافی بتواند مشکل مردم را حل کند ، یعنی مردم بدلیل پائین بودن ارزش پول نتوانند احتیاجات خود را خریداری کنند ، تورم بوجود می آید همچنین گفتیم که در اثر رواج سرمایه داری در جامعه و مشکلاتی که دولتهای سرمایه داری بخاطر هرج و مرج در تولید و سودپرستی سرمایه داران با آن روبرو هستند ، دیگر پول اسکناس قابل تبدیل به طلا نبوده و ارزش آن بسیار کمتر از ارزش طلای معادل میباشد . مثلا اگر در شرایطی که پول مستقیما قابل تبدیل به طلا بود ۱۰۰ تومان پول میدادیم و به اندازه ۱۰۰ تومان طلا میگرفتیم ، حالا وقتی ۱۰۰ تومان پول میدهیم ، مثلا به اندازه ۵۰ تومان یا کمتر طلا دریافت میکنیم .

این کم شدن ارزش پول در مقابل طلا به این دلیل است که مثلا در خزانه دولت ۱۰۰۰ تومان طلا است ولی دولت ۲۰۰۰ تومان اسکناس چاپ میکند . در نتیجه هر یک تومان طلا برابر با دو تومان اسکناس میشود .

و اینک دنباله مطلب :

پس ارزش کل کالاهای موجود در بازار ۵۰ تومان میشود . برای اینکه ما بتوانیم این کالاها را مبادله و خرید و فروش کنیم ، مقدار معینی پول که معادل همان ارزش کالاهاست احتیاج داریم . که بتوانیم آنرا با کالاها مبادله کنیم . علاوه بر این دو مورد ، ما بایک مسئله دیگر هم روبرو هستیم و آن اینکه ، پولی که در بازار هست با چه سرعتی در دست مردم گردش میکند و یا چند بار دست به دست میشود . این سرعت دست به دست شدن پول عامل مهمی است

در شرایطی که پول قابل تبدیل به طلا نیست در رابطه با تورم ، پول نقش بسیار مهمی را ایفا می کند ، این نقش پول بستگی دارد به کم و زیاد شدن پول و کالای بازار ، و کاری که دولتهای سرمایه داری برای رفع آن می کنند . در بازار همیشه مقدار معینی کالاها را در دست معینی وجود دارد که اسم آنرا " ارزش کل کالاها " می نامیم . مثلا فرض کنیم مقداری گوشت ، نان ، قند و لباس در بازار هست که ارزش آنها رویهم رفته ۵۰ تومان میشود .

سودپرستی و نفع شخصی سرمایه داران همیشه باعث تورم و کسادی میشود.

در همان مثال بالا اگر آقای نانوا با ۱۰ تومانی که از آقای قصاب گرفته، برود و قند و چای بخرد، در بازار کلاً ۳۰ تومان معامله شده است ولی با زهم میبینیم که همان ۱۰ تومان چرخیده و کافی است. بنا بر این باید گفت که یک مقدار پول در بازار هر چند دست که بچرخد با اصطلاح "سرعت گردش" داشته باشد به همان نسبت میتواند معامله راه بیاندازد و با اصطلاح بهمان مقدار میتواند کالا مبادله کند. بعبارت دیگر اگر ما بخواهیم مقدار طبیعی پول لازم را در بازار تعیین کنیم اول می‌آئیم ارزش کل کالاها را تعیین می‌کنیم و بعد حساب می‌کنیم که گردش پول در بازار قدر است، و ارزش کل کالاها را به این سرعت گردش تقسیم می‌کنیم باین ترتیب مقدار پول طبیعی که در بازار باید باشد دست می‌آید.

مثلاً "کل ارزش کالاها" در بازار ۵۰ تومان است و سرعت پول دوبار میباشد می‌گوئیم بازار به $\frac{50}{2}$ (۲۵) تومان پول احتیاج دارد. اگر دیدیم که نه سرعت پول مثلاً ۵ است می‌گوئیم که بازار به $\frac{50}{5}$ (۱۰) تومان پول احتیاج دارد.

تعیین کردن مقدار پول لازم در بازار خیلی مهم است اگر پول از مقدار لازم زیادتر باشد

در تعیین مقدار پول لازم در بازار. مثلاً اگر بفرض ما تنها خریدار در بازار باشیم نیاز به ۵۰ تومان پول داریم تا این کالاها را بخریم. اما میدانیم که در بازار تنها یک خریدار و فروشنده بسیارند، همینطور بازار هم میدانیم که هر فروشنده ای خود خریدار است و هر خریداری که کالای را می‌خرد، همان کالای کالاها را می‌فروشد. خوب، باید دید حداقل چقدر چنین وضعی چه چیزی بوجود می‌آورد؟ برای روشن شدن منظورمان مثالی می‌آوریم: فرض کنیم که ما می‌خواهیم ۱۰ تومان گوشت بخریم اگر قصابی که میخواهد گوشت بماند و فروشد تنها فروشنده باشد و کسی باشد که خودش خریدی نمی‌کند ما با ۱۰ تومان پول داشته باشیم. یعنی در کل بازار باید ۱۰ تومان پول موجود باشد تا این کار خرید و فروش گوشت عملی شود. اما اگر در نظر بگیریم همین آقای قصاب با ۱۰ تومانی که از ما می‌گیرد خودش ۱۰ تومان نان می‌خرد. دیگر در بازار احتیاجی نیست که ۱۰ تومان دیگر وارد شود. و پول موجود در بازار ۱۰ تومان شود. چرا که ما با همان ۱۰ تومان از قصاب گوشت می‌خریم و او هم با همان ۱۰ تومانی که از ما می‌گیرد نان می‌خرد. بنا بر این می‌بینیم درست است که در بازار ۲۰ تومان کالا ردوبدل شده ولی چون پول دوست می‌گردد پس به همان نسبت به پول کمتری در بازار احتیاج داریم.

هرج و مرج در تولید عامل هستی در ایجاد تورم و کساد می باشد .

هرجنسی تولید میشود . درچنین وضعی کنترل پول هم دیگر ساده است . و بهمین علت از تورم و کساد دیگر خبری نیست .

اما دولتهای سرمایه داری هم چون — پاسدار نظام سرمایه داری هستند نمی توانند نسبت به تورم و کساد بیتفاوت باقی بمانند . و برای درمان آن راه حل هائی دارند . اما این راه حلها بسیار موقتی است و تنها درد را تسکین میدهد . و پس از مدتی بلافاصله درد توهمها کساد بدتر از گذشته ظاهر میشود .

اگر کارگران عزیز دقت کرده باشند گاهی نرخ بهره وام بانکی را با لاپائین میبرند . یا نرخ پس انداز را بعضی وقتها با لامیبرند و بعضی وقتها پائین میبرند : بدین ترتیب که وقتی دولتهای سرمایه داری مشاهده کنند که نرخ تورم بالاست و روز بروز قیمت کالاها بالا میروند ، دست به یک راه حل موقتی میزنند آنها پیش خود حساب میکنند پول در بازار زیاد شده بنا بر این بایستی آنرا از دست وبال مردم جمع کرد برای این کار کارهای مختلفی میکنند

● اول : بانکها وامی را که بمردم میدهند ، هم مقدارش را کم میکنند و هم نرخ بهره اش را با لامیبرند تا مردم کمتر از بانکها وام بگیرند و کمتر پول وارد بازار شود .

قیمت کالاها بالا می رود ، و تورم ایجاد میشود . مثلاً دیدیم که همیشه شب عیدی کالانگران می شود چون یکباره پول زیاد وارد بازار میشود و خریدار زیاد میشود و قیمت کالا خود بخود بالا می رود و برعکس اگر پول لازم در بازار کم باشد با اصلاح میگویند بازار کساد است زیرا کسه مشتری کم میشود و خود بخود قیمت کالاها پائین تر میاید .

تقع شخصی سرمایه داران در نظام سرمایه داری باعث هرج و مرج در تولید میشود .

در رژیم سرمایه داری چون تولید کالا از روی نقشه و حسابی نیست سرمایه داران جدا از هم فقط دنبال سود شخصی هستند آنها هر روز که ببینند وضع یک کالا بهتر است زود دنبال تولید آن میروند . و هر وقت که ببینند کالای خودشان خوب فروش می رود و احتکار ایجاد میکنند و با این کارها نشان هرج و مرج زیادی در امر تولید بوجود می آورند بنا بر این درچنین وضعی همیشه تورم و کساد وجود دارد . و تنها راه حل قلعی این کارها داشتن اقتصاد با نقشه و برنامه است که فقط در یک سیستم سوسیالیستی قابل پیاده کردن است . در این سیستم چون کالا نه برای سود جوئی یک نفر سرمایه دار بلکه برای رفع احتیاج انسانها تولید میشود ، بنا بر این حساب همه چیز را میکنند و بنا بر آن حساب ، نیازها مشخص میشود و بهمان مقدار هم از

مسئله زحمتکشان تعیین نمی کند. بلکه این کالا و پول است که انسانها را تابع خود میکند. آنها را به هر طرف که خواست میکشاند و از این راه جیب سرمایه دارها را میزند.

راه حل دولت سرمایه داری برای تسکین تورم مثل مکسی است که روی زخم کارگران و زحمتکشان میاشند

در شماره آینده ما درباره یکی دیگر از علل تورم، که همان وابستگی اقتصاد کشور ما به کشورهای امپریالیستی و بخصوص آمریکا است گفتگو خواهیم کرد.



دوم: نرخ بهره پسراندا از رابالا میزند تا مردم تشویق به پس انداز کردن بشوند و پول بیشتری به بانکها بسیار نندوبدین ترتیب پول از بازار جمع شود.

سوم: از افزایش حقوق کارگران و کارمندان جلوگیری میکنند و دلیلشان هم این است که پول زیاد وارد بازار میشود و قیمتها را بالا میبرد.

در نظام سرمایه داری کالا و پول است که انسانها را تابع خود میکند.

اگر به این راه حله دقت کرده باشید متوجه میشوید آنچه که برای یک دولت سرمایه داری مطرح نیست، احتیاج مردم و بخصوص زحمتکشان است. و راه حل آنها مثل مکسی است که روی زخم کارگران و زحمتکشان میاشند. آنها کاری ندارند که کارگر وام را برای ساختن خانه میخواهد، پس نرخ وام را بالا میبرند و مقدارش را هم کم میکنند. آنها کاری ندارند که دادن بهره زیاد به پس انداز پولدارها و سرمایه داران به ضرر زحمتکشان است. آنها کاری ندارند که قیمتها بالا رفته و کارگر و کارمندان احتیاج به پول بیشتر و مزد بیشتر دارند. پس مزدها را بالا نمی برند. دلیلش هم این است که در نظام سرمایه داری رابطه انسانی و مسئله زحمت کشان مطرح نیست و سیاستهای اقتصادی را

...
شود
باند
د
ش
پیشن
از
اد
وص

وقتی که وزارت کار، کارگران "شرکت آرمه" را سر می دواند.

در روز ۱۰ اردیبهشت، کارگران شرکت "بتون آرمه"، بعنوان اعتراض به بی اعتنائی وزارت کار به خواسته‌هایشان از محل شرکت واقع در خیابان وصال شیرازی تا وزارت کار دست به راهپیمایی زدند. کارگران این شرکت روز ۲۷ فروردین هم یک چنین راهپیمایی کرده بودند که تعدادشان در آن راهپیمایی به ۲۰۰ نفر میرسید. کارگران بتون آرمه، از مدتها پیش برای بدست آوردن حق و حقوق خودشان و رسیدگی به وضع کارگران اخراجی و بیکار این شرکت، از راهپیمایی مختلف مبارزه کرده‌اند. این کارگران، از چهار ماه پیش اخراج شده‌اند. قبل از عید کارفرما به تعداد کمی از کارگران (حدود ۶۵ نفر) نغری ۱۰۰۰ تومان پرداخت تا آنها را راضی کرده و در میانشان تفرقه اندازد. در کلیه کارگاههای این شرکت، بیشتر از ۵۰۰ کارگر ساختمانی مشغول کار بوده‌اند که اکثر آنها بتدریج اخراج شده و تعداد بسیار کمی باقی مانده‌اند.



در اثر رفت و آمدهای مکرر کارگران به وزارت کار، این اداره قول داده بود روز دهم اردیبهشت، حقوق چهارماه عقب افتاده کارگران را بپردازد. اما، در این روز پس از مراجعه کارگران به وزارت کار، نماینده وزارت کار جواب می‌دهد که: "بما مربوط نیست!" و بدین ترتیب باز هم مانند دفعات قبل، کارگران را سر می دوانند.



بیکار کارگران، کارفرمای شرکت، یعنی "ملک زاده" را که از دادن حقوق عقب

افتاده، کارگران خودداری می‌کند، دستگیر کرده و تحویل کمیته می‌دهند اما بلافاصله آزاد شد. بگفته یکی از کارگران "ملک زاده" تاکنون میلیونها تومان ارز از کشور خارج کرده‌است. کارگران، چندین بار هم او را به وزارت کار برده‌اند، ولی کارفرما گفته است پول ندارد و باید طلب کارگران را وزارت کار بپردازد. کارگران اگر چه می‌دانستند که باید طلب خود را از کارفرما بگیرند، بخصوص که پول به اندازه کافی هم دارد، اما از آنجا که وزارت کار قبول کرده بود طلب کارگران را خود بپردازد، از همین جهت، کارگران فشار چندانی بر روی "ملک زاده" نمی‌آوردند.

کارگران از میان خود، ۲ نفر نماینده هم انتخاب کرده‌اند تا با وزارت کار مذاکره کنند، اما از این نمایندگان راضی نیستند چنانکه در راهپیمایی و اجتماع روز ۲۷ فروردین هیچکدام از این نماینده‌ها شرکت نداشتند. بعلاوه در مبارزه برای بدست آوردن حقوق کارگران، چندان فعال هم نیستند.

یکی از کارگران، که این جریانات بشدت عصبانیش کرده بود میگفت: "مقصر وزارت کار است. اگر وزارت کار امضاء کند که مسئله به او مربوط نیست و کارگران و کارفرما باید خودشان آنرا حل کنند، ما راحت میشویم. تنها مزاحم ما، این وسط، وزارت کار هست وگرنه خودمان حقمان را از کارفرما میگیریم. ولی وزارت کار از امضاء خودداری میکند و وقتی خودمان میخواهیم اقدام کنیم، فوراً افراد مسلح کمیته را به سراغمان می-

فرستند . " (منظور این رفیق کارگران فرستادن ما موران کمیته ، جریان اجتماع آنها در ۱۸ فروردین در مقابل دفتر شرکت بود ، که ما موران کمیته رفتار بسیار بد و زننده ای با کارگران داشته بودند) .

وزارت کار ، نه خود حق کارگران را از کارفرما بگیرد و نه میگذارد که کارگران حق خود را از کارفرما بگیرند!

به این ترتیب یکی از مشکلات کارگران در این میان ، وزارت کار هست . از قرار معلوم کارفرما با یکی از مسئولین وزارت کار سابقه آشنائی دارد و به همین دلیل ، مسئولین وزارت کار ، همیشه جوابهای جورواجوری به کارگران داده و آنها را سر میزد و مانند یک روز میگویند : " دولت پول شمارا میدهد . " و روز دیگر میگویند : " بما مربوط نیست و کارفرما باید بدهد . " بدین ترتیب کارگران مانده اند که حقوق خود را باید از وزارت کار بگیرند یا کارفرما .

یکی از کارگران شرکت میگفت : آمدن به وزارت کار فایده ندارد . باید متحد بشیم . کارگران شرکت ما ، متحد و یکدست نیستند و بهمین دلیل هم نتوانسته ایم حق مان را بگیریم . ما باید سعی کنیم دفتر مرکزی شرکت را که تمام اسناد و مدارک شرکت ، اونجا هست تصرف کنیم و به این وسیله کارفرما را وادار کنیم تا حقوق ما را پرداخت کند و ما را بسرکار برگرداند . کارفرما از ترس ما ، در ورودی شرکت را قفل کرده و زنجیر زده تا ما وارد آنجا نشویم . ما باید قفل آنجا را بشکنیم و به داخلش برویم . " وضع مالی کارگران این شرکت هم ، مانند

میلیونها بیکار دیگر سرزمین مان ، بشدت خراب است . یکی از آنها دفترچه بیمه اش را بیرون آورده و میگفت : " با این دفترچه چکار میتونم بکنم ؟ وقتی میرم بیمه ، بمن میگن باید بری تهرون ، همونجائی که این دفتررو گرفتی . من که نمی تونم از کرمانشاه چندین ساعت ماشین بنشینم و پیام تهران . معلوم نیست که این پولی هم که بابت حق بیمه به کارفرما پرداخته ایم ، کجا رفته است و اصلاً آیا کارفرما این پول را به بیمه های اجتماعی پرداخته یا نه ؟ اگر پرداخته پس چرا وقتی میریم بیمه ، دفترچه ما را پرت میکنند . بیرون و میگن هیچ ارزشی نداره و اگر نپرداخته ، پس این کارفرما حق ما را زده و باید محاکمه و زندانی شود . "

لازم به توضیح است که این شرکت کارهای پیمانی از قبیل آسفالت جاده ها و خرابی آنها و غیره را انجام میدهد . در تهران چند شعبه در ونک ، بهشت زهرا ، شهرک اکباتان و ... دارد و در شهرهای کرمان ، قزوین ، رفسنجان ، کرمانشاه و ... هم شعبه دارد .

بی پولی چند ماهه اخیر و گرانی های سرسام آور ، امان کارگران را بریده است .

کارگران بشدت عصبانی و ناراحت هستند و واقعا " مايلند که حقوق خود را بهر قیمتی شده از کارفرما بگیرند . بی پولی چند ماهه اخیر و گرانی های سرسام آور هم ، امان آنها را بریده است . اما متأسفانه اتحاد و وحدت لازم را در میان خود ندارند . دوستان کارگر "پارک پرنس" نیز که شرکتشان در همان



نزد یکیهای شرکت آرمه قرار دارد ، متأسفانه یکمک رفقای کارگیشان نرفته اند . با توجه به اینکه همه کارگران همیشه به یک اندازه از طرف سرمایه داران استثمار میشوند و حقشان خورده میشود ، در مقابل سرمایه داران هم همیشه باید صف واحدی را تشکیل بدهند و در مواقع لزوم به یاری یکدیگر بشتابند . ■

درخواستهای کارگران محازن سوخت و آب الکلیت فزنی ماشین آلات صنعتی نمونه کار



ما کارگران که از تاریخ ۵۷/۹/۱۸ از طرف پیمانکار آقای فریدون مهدیانی بدون هیچ دلیلی آواره شده ایم برای احقاق حق خود، در دفتر شرکت نمونه کار که متعلق به این شخص میباشد از تاریخ ۵۸/۲/۴ دست به تحصن می زنیم و تارسیدن به حقوق حقه خود به تحصن ادامه میدهم ، ضمناً باین وسیله همبستگی خود را با تمام کارگران بیکار اعلام و حمایت کارگران بیکار و عموم ملت ایران را خواهانیم .
قبلاً بگوئیم که :

- ۱ - با خواباندن کار ۵ ماه تمام کارگران را آواره کرده است و با وعده و وعید کار و حقوق کارگران را به عقب انداخته و به آن رسیدگی نکرده است .
 - ۲ - کارفرما بر خلاف قانون کار روزانه ۹ ساعت کار میکشد که اضافه کاریهای یکساعت را هیچوقت پرداخت نکرده و ضمناً یکروز اضافه کاری را بجای ۶ ساعت حساب میکرد .
 - ۳ - حق اخراج و مزایا تا آذرماه پرداخت نشده است .
 - ۴ - با وجود اینکه از کارگران حق بیمه کسر شده است اما اغلب کارگران دفترچه بیمه ندارند .
 - ۵ - بهداشت کار و وسایل ایمنی بهیچوجه وجود ندارد .
 - ۶ - تا بحال هیچ موقع به ما کارگران حق مسکن ، مرخصی حق اولاد ، عیدی تعلق نگرفته و تصفیه حسابها پرداخت نشده است .
- ما خواهان بازگشت به سرکار و پرداخت کلیه بدهی ها و حقوق و مزایای در بالا قید شده هستیم .
- ما خواهان رسیدگی به وضع فریدون مهدیانی کارفرما که در زمان طاغوت به کار - گرانی که معترض بودند تهدید معرفی به سازمان امنیت را میکرد هستیم .

" کارگران شرکت نمونه کار "

کارگران، راهپیمائی ۵۰۰ هزار نفری



از ساعت ۷ صبح روز ۱۱ اردیبهشت، روز کارگر، کارگران کارخانجات مختلف تهران و گروههای مختلف سیاسی و هواداران آنها و همچنین صدها هزار نفر از آزادیخواهان و مردم طرفدار طبقه کارگر، بتدریج در خیابان ابوریحان جمع می شدند. از ساعت ۹/۵، جمعیت حاضر در خیابان، بصورت صفوف منظمی در آمده و راهپیمائی باشکوه روزگارگر، آغاز میشود. در اول صف، هزاران کارگر بیکار در حرکت بودند و پشت سر آنها هزاران کارگر کارخانجات مختلف همسراه با پلاکاردهائی که در آنها با تمامی کارگران ایران و جهان اعلام همبستگی کرده بودند قرار گرفتند. در این پلاکاردها، کارگران خواستهای خود را نیز مطرح کرده بودند در صفوف بعدی جمعیت، طرفداران کارگران و سایر آزادیخواهان در حرکت بودند.

مسیر حرکت خیابان ابوریحان، خیابان جمهوری (شاه سابق)، خیابان فردوسی و انتهای راهپیمائی، میدان فردوسی در نظر گرفته شده بود. ولی در تقاطع خیابانهای جمهوری و فردوسی، یکعده از عناصر هوجبگر و ضد کارگر که کارشان همیشه بهم زدن اجتماعات کارگران و آزادیخواهان است و زیر نام اسلام دست به هر عمل ضد انقلابی و ضد خلقی ای میزنند، راه را بر کارگران بستند. کارگران نیز برای جلوگیری از هرگونه درگیری، مسیر خود را عوض کرده و بجای اینکه بسمت بالا حرکت کنند، بطرف جنوب و بسمت میدان توپخانه راه خود

را ادامه دادند.

اما ولگردان و ضدکارگرانی که تا ایند نقشه شان برای شلوغ کردن و ایجاد درگیری و زدو خورد شکست خورده بود، دست برنداشتند و خود را به نزدیکیهای توپخانه رسانند و نرسیده به میدان، مقابل عتوف کارگرا روی زمین نشسته و مانع از ادامه راهپیمائی شدند. این افراد تنها به این مسخره بازو

روز کارگر را رهبری کردند.

کشان اتحاد " را می دادند یا میگفتند : " کارگر ، پیروز است ، تفرقه نابود است " همبستگی و وحدتی که در میان صدها هزار راهپیمای دیده میشد ، برآستی حیرت انگیز بود . این وحدت و همبستگی وقتی با خونسردی و متانت همراه میشد ، حسادت و لگردان و عناصر ماجراجو را برمی انگیزت و آنها را وحشی تر میکرد .

ده ها خبرنگار و عکاس و فیلمبردار داخلی و خارجی در طول راهپیمایی مشغول عکس برداری و فیلم برداری و تهیه گزارش از این راهپیمایی عظیم بودند .

هزاران نفر از مردمی که در پیاده روی طول مسیر ایستاده بودند با حیرت به این حرکت عظیم کارگری می نگریستند . برای آنان عجیب بود که هزاران کارگر در یک چنین راهپیمایی عظیمی گرد آمده و مهمتر از آن رهبری و گردانندگی آن را بر عهده دارند .

صدها نفر از مردم از بالکن خانه هایشان برای راهپیمایان ابراز احساسات میکردند و صدها کارگر کارگاه های مختلف خیاطی و کفافی و ... که در طبقات مختلف ساختمان های طول مسیر قرار داشت ، برای کارگران راهپیمای ، دست تکان داده و سوت می کشیدند .

در خیابان فردوسی تعداد زیادی از کارمندان بانک ملی در مقابل بانک به شدت با جمعیت ابراز همبستگی کرده و همراه با شعار جمعیت می گفتند : " تمام صنایع

اکتفا نکرده و وقاحت و بیشرمی را تا به آنجا رساندند که در پیاده روی های که مردم به تماشای راهپیمایی ایستاده بودند ، مرتب سمپاشی کرده و در حالی که کارگران و طرفداران آنها را به مردم نشان میدادند ، آنها را ساواکی و ضد انقلابی معرفی میکردند . نظم و انضباط راهپیمایی تمام ما در دست کارگران بود و در حالی که دهها کارگر بازو بندهایی به بازوهایشان بسته بودند ، در تمام صفوف نظم راهپیمایی را حفظ میکردند . علاوه بر رهبری و گردانندگی راهپیمایی نیز در دست کارگران بود .

کارگران وقتی در نزدیکی توپخانه دوباره با افراد ولگرد و ضدکارگر روبرو شدند و مشاهده کردند که این افراد دنبال بهانه میگردند تا کار را به زدو خورد بکشانند ، با توجه به اینکه بیشتر مسیر را آمده و دیگر به آخر رسیده بودند ، تصمیم گرفتند در همانجا قطعنامه پایان راهپیمایی را خوانده و متفرق شوند .

تعداد تظاهرکنندگان نزدیک به پانصد هزار نفر بود و کارگران شرکت کننده بیشتر از ۱۰ هزار نفر میشدند که از بیشتر از ۳۵ کارخانه شرکت کرده بودند .

راهپیمایان تحت رهبری کارگران ، با مسائل مختلف ، کاملاً حساب شده و صورتی برخورد میکردند . مثلاً زمانی که ولگردها قصد برهم زدن جمعیت را داشتند راهپیمایان به هیچوجه از کوره در نرفته و با خونسردی شعار " اتحاد ، اتحاد ، زحمت -



● نکته قابل ملاحظه این است که اگرچه افراد ولگرد و ضدکارگر عکسهای امام خمینی را در دست داشتند و مرتبدم از اسلام می زدند، اما از آنجا که عمل آنها ضدانقلابی و ارتجاعی بود، حتی بسیاری از دانشجویان و روشنفکران و مردمی که مذهبی بودند، کارهای این افراد را محکوم میکردند و اعلام مینمودند که " این عناصر فقط اسمی از مذهب بر روی خودشان گذاشته اند و از آن بعنوان ماسکی برای حرکات و نظرات ارتجاعیشان استفاده میکنند".

● در طول راهپیمایی در چندین نقطه مردمی که دریاده روها بودند با پاشیدن نقل و انداختن گلهای میخک صورتی بر روی جمعیت و دادن شیرینی، همبستگی خود را با راهپیمایان اول ماه مه ، ابراز میداشتند.



و ایسته ، به انضمام بانکها ، ملی بایسد گردد ! "

برخی از شعارهایی که داده میشد و یا روی پلاکاردها نوشته شده بود ، از این قرار است :

" مرگ بر آمریکا ، دشمن خلقهای جهان "

کارگر می سازد ، رنج میبرد ، کار فرما می خوابد ، گنج میبرد "

" قانون کار قبلی باید لغو شود و قانون کار جدیدی با نظارت نمایندگان واقعی کارگران ، تدوین گردد . "

" مبارزات کارگران بیکار ، از مبارزات کارگران شاغل (مشغول بکار) جدا نیست . "

" حق تساوی دستمزد برای کارگران زن و مرد ، در برابر کارمساوی "

" یک زندگی بهتر ، این است شعار کارگر "

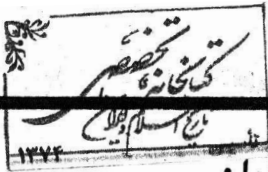
" کارگر زحمتکش ، علیه هر نوع سازش ، فریاد خود را برکش "

کتابخانه ای از راهپیمایی روز کارگر

● - نظمی که بر جمعیت تظا هرکننده حاکم بود ، بی نظیر بود . بعنوان نمونه شعارها فقط بوسیله کارگران از داخل چند دستگامینی بوس داده میشد و هیچکس دیگر ، شعاری غیر از این شعارها نمی داد .

● - وقتی طول صفوف راهپیمایان را در نظر گرفتیم حدود ۲ کیلومتر میشد و تمام عرض خیابان از جمعیت پر شده بود .

● - تقریباً در تمام طول صف راهپیمایان ، برای جلوگیری از حمله افراد ماجراجو و ولگرد حلقه زنجیری بدور صاف بسته شده بود و در مواقعی که ولگردان در نقطه ای از صفوف راهپیمایان جمع میشدند ، این حلقه های زنجیر به دوسه رشته میرسید .



● جشن اول ماه مه (روز کارگر)، در شهرستانها:

کارگر ! کارگر ! نابود کن ستمگر!
استبدادنا بود است ، ارتجاع محکوم است .
کارگران آبادان بعد از ظهر همین روز
را در محل سندیکای خود جشن گرفتند .

مسجد سلیمان

کارگران در روز کارگر بدعوت "شورای
کارکنان صنعت نفت مسجد سلیمان " جشنی
بر گزار کردند که در طی آن چند تن از
کارگران در مورد ضرورت ایجاد تشکیلات
کارگری و وحدت کارگران سخنرانی کردند .
کارگران همچنین از خواست کارگران پیمانی
مبنی بر " رسمی شدن تمامی کارگران پیمانی"
پشتیبانی کردند . در همین شهر حدود ۲۰۰۰
نفر از کارگران بیکار و کارگران سایر
شرکتها ، به راه پیمانی پرداختند . شعار -
های کارگران عبارت بود از :

" اتحاد ، اتحاد ، زحمتکشان اتحاد! "
کارگر ، کارگر ، سرمایه از روز ازل
نبوده ، سرمایه دار حق تورا ربوده!
" سرمایه وابسته ، ملی باید گردد! "
و

تبریز

کارگران تبریز از طرف " کمیته بر -
گزاری کارگری اسلامی جشن کارگر " دعوت
شده بودند تا در باغ گلستان اجتماع کرده
و روز کارگر را جشن بگیرند ، و از آنجا
بسمت باغ شمال حرکت کنند .

در همین روز از طرف روحانیت تبریز

ادامه در صفحه ۵۲

کارگران شهرستانهای آبادان ، مسجد -
سلیمان ، تبریز و اهواز ، در زیر بار
حملات وحشیانه عناصر ارتجاعی و ضدکارگر،
روز جهانی کارگر را جشن گرفتند و همسدا
با برادران کارگشان در تهران و شهرستا -
نهای دیگر ، صدای اعتراض خود را بر علیه
ظلم و ستم سرمایه داری ، بر علیه امپریا -
لیسم و ارتجاع داخلی بگوش کارگران جهان
رساندند .

آبادان

کارگران پروژههای آبادان در ساعت ۹
صبح روز سه شنبه ۱۱ اردیبهشت ، از محل
سندیکای کارگران پروژههای تا استادایوم
تختی راه پیمانی کردند .

جمعیت انبوهی از دانشجویان ، دانش
آموزان ، فرهنگیان و دیگر گروههای مردم ،
کارگران را در این راه پیمانی ، همراهی
میکردند . کارگران آبادانی بخاطر برزگ -
داشت کارگران شهید ، یکدقیقه سکوت کردند
و سپس برای اعلام همبستگی با اجتماعی که از
طرف حزب جمهوری اسلامی در استادایوم تختی
برگزار شده بود ، به این استادایوم رفتند
ولی از آنجا نیز با مزاحمت و تهدید عناصر
ارتجاعی روبرو شدند . سخنران اجتماع - آقای
هاشمی رفسنجانی - با حملات ارتجاعی خود
کارگران را به باد تهمت گرفت . و رئیس
حزب جمهوری اسلامی در آبادان - آقای
موسوی - از خواندن قطعنامه کارگران جلو -
گیری نمود .

کارگران در این راه پیمانی شعار میدادند :
سندیکا صوت الحریه (سندیکا صدای آزادی) است
سمبل هر انقلاب ، کارگر قهرمان

با تفرقه اندازیهایی مدیر اجرایی "ارج" مبارزه کنیم!

رفقای کارگر!

اخیرا "فاطمی زاده" مدیر اجرایی کارخانه ارج، برای کارگران کارخانه سخنوانی کرده است. در این سخنوانی راجع به چند موضوع از جمله مدیران و مدیریت کارخانه و نقش آنها، خواسته های کارگران در مورد اضافه حقوق و سود ویژه و بالاخره شورا و تشکیلات کارگران صحبت شده است.

ما، قبل از اینکه به بررسی مختصری از گفته های این مزدور کارفرما بپردازیم، لازم می بینیم که توضیح بدیم چرا و به چه زمینه ای "فاطمی زاده" این مسائل را مطرح میکند و بی شرمانه به کارگران مبارز و آگاه تهمت زده، نقش آنها را برعکس نشان میدهد. بر تمامی کارگران کارخانه بخوبی روشن است و از سخنان فاطمی زاده هم بخوبی معلوم میشود که "فاطمی زاده" فقط و فقط میخواهد کارگران را فریب دهد و باز هم شرایط گذشته را که بر کارخانه حاکم بود، بوجود آورد. و از ثمره کار و زحمت کارگران - جیبهای خودشان و اربابان خارجیشان را پرکند. از تمامی حرفهای او یکی را نمیشود پیدا کرد که اندکی نفع کارگران در آن باشد.

چرا فاطمی زاده از کارگران مبارز دل پختنی دارد؟

چندی قبل کارگران ارج تصمیم میگیرند که مدیر عامل مزدور کارخانه "مکی" و چند تن دیگر را اخراج کنند. این عمل که خواه نا خواه گریبان "فاطمی زاده" را هم میگرفت او را بوحشت انداخت و در مقابل اخراج

مدیران مقاومت کرد و برای چند روز بکارخانه نیامد تا در کار تولید اختلال کند. "فاطمی زاده" شرط بازگشتش را اخراج نکردن سایر مدیران کارخانه میگذارد، تا اینکه بالاخره به کارخانه میآید. اگر بخواهیم علت اصلی و اساسی این رفتار حیلگراانه "فاطمی زاده" مزدور را بررسی کنیم فقط بیک نتیجه میرسیم و آن این است که: اگر چه انقلاب ما توانست رژیم شاه را سرنگون کند و به پیکر امپریالیستها ضربه بزند، ولی از آنجا که دستاوردهای این انقلاب به دست نیروهای سازشکار و محافظه کار افتاد، و این نیروها قدرت را در دست گرفتند، و در مقابل آن کارگران بدلیل نداشتن حزب سیاسی خود - یعنی حزب طبقه کارگر - نتوانستند رهبری انقلاب را بدست بگیرند و در قدرت سیاسی شرکت کنند. این فرصت بسیار بدست کارفرمایان و مزدوران مثل "فاطمی زاده" افتاد تا از موقعیت خودشان سوءاستفاده کرده و مجددا زورگویی به کارگران را شروع کنند. و یا بهتر بگوئیم آنها ادامه دهند. "فاطمی زاده" و بقیه مدیران از ضعف کارخانه و کارگران یعنی نبودن مدیریت تولید و... استفاده کردند و باعث اختلال در تولید کارخانه و ادامه کار آن شدند. و این همه دلیل این است که طبقه کارگر حزب سیاسی خودش را ندارد تا تحت رهبری حزب و شرکت تعیین کننده در قدرت سیاسی، بتواند این مزدوران را بیرون بریزد و در مقابل از عناصر و افراد متخصص مترقی و انقلابی استفاده کند. متخصصین مترقی ای که در کشور ما فراوان هستند و حتی تعداد زیادی از آنها حاضرند تا مدتی هم مجانی کار کنند و این

کارگران میخواهند حقوق از دست رفته شان را از حلقوم کارفرما بیرون بکشند.

اگر آقای فاطمی زاده به

این مسئله شك دارد، بهتر است یا دشمنان پیدا کند که کارگران چگونه در روز ۲۶ اسفند ماه عملاً نشان دادند که سود شب عید و عیدی تا چه حد برایشان اهمیت دارد. چون کارگران امیدشان باین است که مشکلات زندگیشان را با همین حقوق اندک و عیدی و سود حل کنند.

ولی فاطمی زاده مزد و این خواست مهم کارگران را در مقابل بقاء یا ادامه کار کارخانه میگذارد و طوری وانمود میکند که یا این یا آن. یا ۱۰۰ تومان سود و سود شب عید و یا ادامه کار کارخانه. ولی آیا واقعا همین طور است؟ ادامه کار کارخانه برای کارگران بسیار مهم است. ولی نه از آن جهت که برای فاطمی زاده و کارفرما اهمیت دارد.

برای فاطمی زاده و کارفرما ادامه کار کارخانه از این جهت مهم است که هرچه بیشتر از کارگران کاری بکشند، حاصل دسترنج آنها را به جیب بزنند، و دست آخر مزد بخور و نمیری به آنها بدهند. ولی ادامه کار کارخانه برای کارگران، از این جهت مهم است که در آن، احتیاجات مردم را تولید میکند، و از اینک که کشور ما تبدیل به مصرف کننده بنگل ها و کالا های خارجی بشود جلوگیری کنند.



روزها بی بینیم که در ادگستری و ۰۰۰ متحصن شده اند.

کارگران میخواهند با اخراج مدیران مزدور و استخدام مدیران لایق به وضع تولید سرو سامان بدهند.

حالا بپردازیم به سخنان "فاطمی

زاده"، او میگوید:

"باید دید چه چیزی برای کارگران مهم است و نفع کارگر در چیست. آیا نفع کارگر در ۱۰۰ تومان عیدی و یا سود شب عید است یا در بقای (یعنی ادامه کار) کارخانه؟ اگر کارخانه بقائی نداشته باشد و تعطیل باشد و کساری وجود نداشته باشد مسلماً سودی هم وجود نخواهد داشت."

در پاسخ این حرف "فاطمی زاده"، ما سؤال میکنیم که اصلاً کارگر بخاطر چه چیزی حاضر میشود نیروی کارش را بفروشد، همه رقم توهین تحقیر و فشار را تحمل کند و همه استخدام سرمایه داران خون آشامی که از دسترنج کارگران سودها و سرمایه های کلانی بجیب میزنند، درآید؟

مسلماً جواب این است که: زندگی کند، درآمدی داشته باشد و بتواند احتیاجات زندگی خود و خانواده اش را تامین کند. پس در شرایطی که گرانی زیاد اجناس کم، کارگر را زیر بار خرج زندگی خم کرده است، در شرایطی که در اثر مبارزات و جانفشانی های کارگران و اقشار مختلف مردم، کارگران دیگر حاضر نیستند که سرمایه داران هرچه دلشان خواست از حقوق آنها بجیب بزنند. نه تنها ۱۰۰ تومان عیدی و سود شب عید برای کارگران بسیار مهم است بلکه، مهمترین است که کارگران میخواهند حقوق از دست رفته شان را از حلقوم کارفرما بیرون بکشند.

از زورگوئی و ستم کارفرما و مدیران است، کم کنند. ولی "فاطمی زاده" درباره این کارگران چه نظری می دهد؟ او از اسلحه‌های که اکنون آلت دست همه فرصت طلبان و کسانی است که می خواهند بهانه‌های برای سرکوب کارگران داشته باشند، استفاده می کند.

اگر رژیم قبلی افراد انقلابی و مبارز را بنام "اخلالگر" و "خرابکار" معرفی می کردند، و دیدیم که بعد از انقلاب چگونه روشن شده که این افراد از درستکارترین و فداکارترین انسانها بودند، حالا هم کارگران مبارز را "کمونیست" و -- اخلالگر معرفی میکنند تا از احساسات پاک مذهبی کارگران سوءاستفاده کنند. غافل از اینکه کارگران همه بچشم خود میبینند که چه کسانی از حرفها و خواسته‌های آنها پشتیبانی میکنند همان خواسته هائیکه وقتی از زبان هر کارگری شنیده میشود بلافاصله انگ "اخلالگر" باو چسبانده میشود.

اتحاد کارگران می تواند نقشه تفرقه اندازیهای

مدیران کارفرما را نقش بر آب کند.

بخوبی میبینیم که بخاطر آگاهی و اتحاد کارگران، این فریبکاری روز بروز اثر خود را از دست میدهد. چون کارگران میبینند که خواسته يك کارگر مبارز و بقول آقای فاطمی زاده "کمونیست" درست همان چیزی است که خودش هم میخواهد و بارها و بارها در اعتصابات، تظاهرات، صحبت‌های خانوادگی و ... آنها را بسزبان آورده است و این بهترین شاهدیست که میتواند نقشه تفرقه اندازانه "فاطمی زاده" را نقش بر آب کند و با اتحاد هرچه محکمتر مشت محکمی بر دهان "فاطمی زاده" و مزدورانش بزند، دیگر هیچ کارگری نیست که حتی اندکی در راه خواسته‌های حق طلبانه اش مبارزه کرده باشد و دست این مزدوران تفرقه افکن برایش رو نشده باشد.

به همین جهت عمل درستی که کارگران درباره مدیران مزدور انجام دادند و تصمیم گرفتند آنها را اخراج کنند، نه تنها باعث تعطیل کارخانه نشده، کارگران را بیکار نمی‌کند، بلکه کارگران با اخراج این مدیران مزدور و جنایتکار و استخدام مدیرانی که حاضرند بانظر کارگران کارکنند، با شرایط خیلی بهتری، باعث ادامه کار کارخانه میشوند. خیلی عجیب است که فاطمی زاده مزدور برای اینکه کارگران بیکار نشوند دلسوزی میکند، گویا یادش رفته است که وقتی به اتفاق سایر مدیران سر سپرده، شرکت را ترک کردند، و بدستور اربابشان، به سرکار نیامدند، اصلا هدفشان این بود که کارخانه را بخوابانند و کارگران را با بیکاری روبرو نمایند. او بفکر چیزی که نبوده، بیکاری ۵۰۰ کارگر است. ولی حالا با فریبکاری و حيله‌گری، بخاطر اینکه کارگران بیکار نشوند، دلسوزی میکند! مسلماً این دلسوزی برای کارگران نیست، بلکه برای خودش و کارفرماست، چون اگر کارگران موفق شوند، دامن خودش را هم میگیرد، به همین جهت این مزدور حق دارد که این چنین بکارگران مبارز تهمت بزند. او میگوید:

"عده‌ای هستند که میخواهند کار را بخوابانند اینها برای اینکه کارخانه را ببندند و هدف دارند."

اول اینکه در بین کارگران تبلیغات کمونیستی میکنند و میخواهند کارگران را چپ‌گرا کنند. دوم اینکه آنها در مرحله اول نوك حمله‌شان را متوجه مدیریت و مدیران می‌کنند. چون وقتی مانع کار مدیران شدند تولید می‌خواهد! ما در بالا گفتیم که نه تنها کارگران و مخصوص کارگران مبارزی که فاطمی زاده "آنها را" عده‌ای می‌نامد، قصد خواباندن کارخانه را ندارند بلکه کارگران میخواهند تا به اخراج مدیران مزدوری سالیان سال خون کارگران را در شیشه کرده بودند. و با استخدام مدیران لایق، هم به وضع کارخانه و تولید و ... سروسامان بدهند و هم تا حدی نابسامانی‌های کارگران را که ناشی

در مقابل هم نیستند بلکه در کنار هم هستند و مدیریت، عاملی است برای تامین منافع کارفرما و واسطه ای است بین کارگر و کارفرما که از راههای مختلف و با برنامه ریزی های ضد کارگريش، حاصل دسترنج کارگران را تقدیم کارفرما میکند. مگر همین شما نبودید که سالهای سال تماشاگر و شریک زورگویی و ستم بی حد کارفرما نسبت به کارگران بودید و در حالیکه کارگران زحمتکش زیر بار ستم و ظلم سرمایه داران زالو صفت جانشان به لب میرید، سید، قدم به قدم با کارفرما دست به سرکوب هرگونه صدای حق طلبانه ای میزدید؟ پس بیجهت نیست که این عامل کارفرما

این همه سنگ ادامه کار کارخانه را بسینه میزند، این همه دست و پا میزند تا سایر شریکانش سر کار برگردند. تا با هم به بهره کشی کارگر ادامه دهند. چون بخوبی میدانند که اگر دست آنها از کارخانه کوتاه شود مثل زالویی که خون بهش نرسد، بتدریج هم کارفرما و هم عوامل مزدورش نابود میشوند.

"فاطمی زاده" بالاخره بعد از کلی نهنه من غریب بازی در آوردن و بعد از اینکه سعی میکند کارگران مبارز و شورای کارگران را در پیش کارگران، "بد" نشان دهد، و در مقابل، مقام خودش و مدیران و سرپرستان زورگور را خوب نشان دهد، حرف آخرش را راجع به وضع حقوقی کارگران میزند.

کارگران بطور جدی میخواهند که کمیته با عناصر بناب وضع کارگريشان را تصفیه کنند.

جالب است که "فاطمی زاده" همیشه به کمیته های امام اشاره میکند و خودش را مطیع کمیته میدانند غافل از اینکه دیگر برای کارگران روشن شده است

فاطمی زاده خود نمونه بسیار خوبی از این مزدوران است. چون بخوبی میدانیم که وقتی کسی با کارگران جدا جدا و قسمت قسمت صحبت میکند، چه معنائی دارد. مسلما چیزی جز اینکه صفوف یکپارچه کارگران را در هم بشکند نیست. و این کاری است که "فاطمی زاده" بارها و بارها انجام داده است. و حتی مورد مخالفت و اعتراض یکی از کارگران هم قرار گرفته بود. و وقتی این دوست کارگر از او می پرسد که: "چرا همه کارگران را با هم جمع نکردی تا صحبت کنی؟" جواب میدهد که: "چون اینطور کم هستند و بهتر میتوان با هم صحبت کرد و آن طوری شلوغ میشود!" و با این جواب زیرکانه، خودش را از دست کارگر آگاهی که بهد فیلید و تفرقه افکنانه او پی برده بود رها میکند.

"فاطمی زاده" هدف دوم این عده را برای خواباندن کارخانه این میدانند که: آنها بر مرحله اول نوب حمله را متوجه مدیران میکنند. چون وقتی مدیران نباشند کارخانه هم تعطیل میشود.

ما گفتیم که چرا کارگران تصمیم داشتند و میباید مدیران مزدور و سرسپرده ای را که کاری بجز زورگویی به کارگران ندارند، اخراج کنند. ولی حالا که با یک اشکال، نبودن مدیریت روبرو شده اند، و آنها فقط و فقط بدلیل سنگ اندازهای همین مدیران و دولت در مقابل کارگران است. فاطمی زاده سعی میکند که مدیران را از کارفرما جدا کند و میگوید که اصلا مدیر با کارفرما فرق دارد و از این گفته برای فریب کارگران استفاده میکند. همه میدانند که مدیریت با کارفرما فرق دارد، ولی آیا فرق بین ایند و آنست که اینها در مقابل یکدیگر قرار میگیرند و مدیر طرفدار کارگر است؟

اینطور که از حرفهای این عامل مزدور کارفرما بر سیاید منظور این است. ولی نه آقای فاطمی زاده! اینها (مدیر و کارفرما)

که علیرغم تلاش انقلابی که بعضی از عناصر صادق کمیته‌ها انجام میدهند، کمیته‌ها با نفوذ سرمایه‌داران و ساواکیها و ... عناصر ضد کارگر در درون آن بصورت عاملی در دست سرمایه‌داران برای سرکوب و متفرق کردن و پراکنده کردن و جلوگیری از مبارزات کارگران درآمده‌اند و کارگران بطور جدی میخواهند که کمیته‌ها با تصفیه عناصر ناپاب و ضدانقلابی خودشان را اصلاح کنند و بجای پشتیبانی، از سرمایه‌داران، به پشتیبانی و همکاری با کارگران بپردازند.

در مورد اضافه حقوق، فاطمی زاده میگوید: "باید بگویم که من هیچ تضمینی نمیدهم که چه قدر بتوانم به حقوقتان اضافه کنم. مثلاً شش ماه گذشته که ما کاری نکردیم و ضرر کردیم. آینده به شما بستگی دارد و از این به بعد ثمره کارتان مال شماست، درست مثل ماشین اسکناس است هرچه سریعتر کار کنید پول بیشتری جمع میکنیم هرکس بگوید به شما فلان قدر میدهم دروغ میگوید اگر تا به حال نتوانستیم برای شما کاری بکنیم علتش دیکتاتوری بوده و در آینده که دستمان باز است، ببینیم چکار میتوانیم بکنیم."

بخوبی میشود فهمید که همه آن مقدماتی که "فاطمی زاده" چید برای این بود که همین حرف را بزند و درحالیکه کارگران میخواهند، همراه با افزایش هزینه زندگی، مزدشان هم اضافه شود، این مزدور کارفرما، به کارگران وعده‌ها و شرایطی را پیشنهاد میکند که لازمه آن، کار و کار و کار است، یعنی: کارگران! شما باید هرچه بیشتر کار کنید، بما هرچه بیشتر سود بدهید تا آنوقت اگر ما خواستیم، کمی هم از آن بشما بدیم! ببینیم که این بظاهر طرفدار کارگر، در اینجا تضمین اضافه حقوق نمی‌دهد، ولی در روزهای بعد، از کارگر تضمین میخواهد که ۸ ساعت کار کند (*) تا هر روز ۲ ساعت بیشتر بتواند کارگر را استثمار کند و بدون پرداخت هیچ مزدی از او بهره‌کشی بکند. بعد هم با حیل‌گری تمام میگوید: "از این به بعد ثمره کارتان مال شماست"

و ... "باید از این عامل مزدور کارفرما پرسید اگر ثمره کار کارگر مال خودش است پس کارخانه هم ثمره کار کارگر است زیرا تا بحال کارگران چندین برابر قیمت کارخانه را تولید کرده‌اند و حالا مال خودشان است. بنابراین چرا شماها برگ معرفی "شمس" (یکی از اقوام نزدیک ارجمند) را برای "مدیریت عاملی" پیش ارجمند، این دزد بین‌المللی که هم اکنون به عیش و نوش مشغول است میفرستید؟ تا این کارفرمای خونخوار شمس را تأیید کند، که همین کار را هم میکند. اگر ثمره کار کارگر، یعنی کارخانه مال کارگر است پس تأیید گرفتن از کارفرما که فرار کرده است چه معنی میدهد؟

فاطمی زاده میگوید: "دیکتاتوری نمیگذاشت ما بشما برسیم" عجب! ما نمیدانستیم که آقای فاطمی زاده اینقدر خوب بوده که میخواسته‌اند برای کارگران کاری بکنند ولی دیکتاتوری نمیگذاشته، مبارک باشد.

مگر شما مزدوران نبودید که در رژیم سابق هر وقت صحبت از اضافه حقوق، سود و ... میشد میگفتید: "همانطور که شاهنشاه (شاه‌خائن) فرموده‌اند، همانطور که آقای نخست‌وزیر فرموده‌اند، باید کار کنید، و هرچه بیشتر کار کنید مزد بیشتری میگیرید و خود با هرگونه حق طلبی کارگران بشدت مبارزه میکردید؟"

کارگران باید مدیران سرسپرده مزدوری را که کاری بجز رفرگویی به کارگران ندارند، اخراج کنند.

ولی حالا دم از این میزنید که میخواستید برای کارگران کاری بکنید؟

خیر کارگران باینکه شما برایشان کاری بکنید

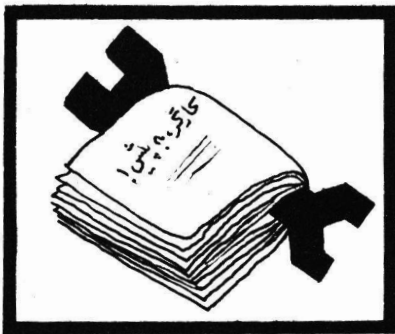
* لازم به تذکر است که کارگران این کارخانه در سایه مبارزات حق طلبانه شان در حال حاضر روزی ۶ ساعت (هفته‌ای ۳۶ ساعت) کار میکنند.

دزدی و غارت بی حساب مدیران و کارفرما باز - نمی ماند . می خواهد شورا را از بین ببرد و بجای آن شورایی را پیشنهاد میکند که مورد تأیید خودش باشد ولی همه کارگران میدانند که چنین شورایی ، هرگز نمی تواند شورای کارگران باشد و مسلماً مثل سابق ، از قماش همان سندیکاهای وابسته خواهد بود .

آنوقت اگر کارگران چنین تشکیلاتی داشته باشند ، بهترینیست اسم آنرا "شورا یا سندیکای مدیران ، وزارت کار و کمیته "بگذازم نه سندیکا و شورای کارگران ؟ چون تشکیلات کارگری وقتی واقعی است و میتواند متعلق به کارگران باشد که همیشه در همه حال بخاطر گرفتن حقوق کارگران و دفاع از کارگران در مقابل کارفرما و دولت سرمایه داری مبارزه کند . چون حتی در زندگی کارگر و کارفرما ، یک روز هم پیدا نمیشود که این دو بایکدیگر اختلاف نداشته باشند . یعنی یک روز هم پیدا نمیشود که کارفرما حق کارگر را نخورده و کارگر بخاطر آن مبارزه نکند . بطور خلاصه سندیکا و شورای واقعی کارگران موقعی واقعی است که همیشه خاری باشد در چشم سرمایه داران و حکومت سرمایه داری ، و نه تشکیلاتی که مورد تأیید کارفرما ، مدیرعامل و وزارت کار و دولت سرمایه داری باشد .

درد بسر کارگران مبارز کارخانه ارج !
پیروز باد مبارزات حق طلبانه کارگران !
پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر !

پیروز باشید .



احتیاج ندارند ، کارگران خودشان بخوبی میدانند که دیگر چگونه باید حشمان را از شما بگیرند و آنها را از طریق مشکل شدن ، آگاه شدن و مبارزه کردن است . کارگران با نظارتی که بر تولید و فروش ، و سود کارخانه میکنند ، دیگر اجازه نمیدهند که همه اختیار زندگی خود و خانواده شان در دست شما باشد و آنها را مجبور کنید که بخاطر چند تومان اضافه دستمزد ساعتی کار اضافی از آنها بکشید .

ولی خاطر جمع باشید که دیگر کارگران بعد از یکسال مبارزه انقلابی و پیروزی بر رژیم دیکتاتوری ، هرگز حاضر نیستند که شماها امکان دهید باز هم بر خرداد سوار شوید و هر اسبی که میخواهید بتازید . کارگران ، با تجربه و درسی که از مبارزاتشان گرفته اند با اراده های قوی تر و عزمی راسختر بمبارزه بر علیه سرمایه داران و نظام سرمایه داری ادامه خواهند داد تا برای همیشه جامعه را از وجود انگلهایی که به اسم سرمایه دار خون ملیونها کارگر را میمکند ، از میان بردارند و نابود کنند .

کارگران تنها از طریق مشکل شدن ، آگاه شدن و مبارزه کردن ، حقوق خود را از کارفرما میگیرند .

در خاتمه بد نیست به گفته "فاطمی زاده" در مورد شورای کارخانه هم اشاره ای بکنیم ، فاطمی زاده "میگوید : اکثر نمایندگان بجز یک اقلیت ، مورد تأیید من هستند و شما باید یک شورای دائمی بوجود بیاورید که هم مورد تأیید کمیته و هم وزارت کار و هم مدیران باشد .

این دیگر پیروبی و بی شرمی بتمام معنا است ، این مزدور می خواهد با بد بین کردن کارگران نسبت به شورایی که تا بحال همیشه مدافع واقعی کارگران بوده و بخوبی میدانند که اگر همین شورا بکارش ادامه دهد دیگر جایی برای

درد و بر کارگران مبارز متوساک

کارگران مبارز شرکت شن و ماسه "متوساک"، که بوسیله کارفرمای شرکت بطور دسته جمعی اخراج شده بودند، بعد از ۲۵ روز تحصن در دفتر شرکت و ۴ روز اعتصاب غذا، وقتی با بسی توجهی مسئولین دولت و کارشنکی های کارفرما و مزد و رانش روبرو شدند، وقتی که دیدند در مقابل خواست منطقی شان، آنها را با مسلسل تهدید میکنند، تصمیمی گرفتند که سر مشقی برای تمام کارگران است.

کارگران مبارز شرکت متوساک، بد رستی تصمیم گرفتند تا اداره شرکت را خود بعهده بگیرند و باره انداختن تولید، قدرت و نیروی خودشان را به کارفرما و آنهائی که میگویند کارگران نمی توانند شرکتها را اداره کنند نشان دهند.

کارگران با نوشتن ۵ نامه به خانه کارگر، کانون وکلا، حقوق بشر، آیت الله طالقانی و وزارت کار، علت تحصن و اعتصاب غذای خود را شرح داده و تصمیم خود را برای اجرای این امر انقلابی اعلام کردند. کارگران روز یکشنبه، بمحل شرکت واقع در "علی شاه عوض" رفتند و با تعمیر ماشینها و بکار انداختن آنها، تولید شن و ماسه را شروع کردند. در اداره کارخانه دونه از طرف کمیته امام بعنوان ناظر شرکت دارند.

کارگران در نامه ای که به وزارت کار نوشته اند، گفته اند: "ما عزم راسخ داریم که کارخانه را خودمان اداره کنیم، و اگر وزارت کار مانع دخالت افراد مسلح کمیته ها و ایادی کارفرمانشود هرگونه اتفاقی که برای کارگران، از جانب این افراد بیفتد، مسئولیت مستقیمش با دولت خواهد بود".

کارگران خواستار حمایت کلیه کارگران و نیروهای مترقی و مبارز شده اند. با همت کارگران، چرخهای تولید شرکت بکار افتاد. روحیه عالی و همکاری صمیمانه و زبقانته کارگران در تقسیم کار و حفاظت شرکت، همه و همه مشت محکمی است بر دهان یاهه گویانی که ادعا میکنند کارگران نمی توانند شرکتها را اداره کنند و از این طریق آب به آسیاب سرمایه داران میریزند.

کارگران اکنون موقع کار کردن با روی گشاده و شاد با یکدیگر صحبت میکنند، و خود را در کارهای کارخانه با یکدیگر سهیم و شریک میدانند. کارگری در حین تعمیر ماشین آلات در حالیکه میخندید، میگفت: "راستی هم که انسان فقط بکار زنده است" و یکی دیگر از کارگران میگفت: "ما کارگران ثابت کرده ایم که تنها و تنها ما هستیم که میتوانیم چرخهای تولید را بکار اندازیم و از این جهت هم ما هستیم که باید کارگاه را اداره کنیم".

پیروز باد مبارزات کارگران!

پیروزی کارگران "متوساک"

چرخهای کارگاه ما بدون وجود کارفرما بدست کارگران
بکار افتاد

واقعه هنگامی آغاز شد که کارفرما همه ما (۱۰ نفر کارگر)

را در تاریخ ۵۸/۱/۱۵ بطور دسته جمعی از کار اخراج کرد.

هنگامیکه ما برای آگاهی از دلیل اخراج بشرکت مراجعه کردیم،

با استقبال مسلسل یوزی عامل کارفرما روبرو شدیم ولی ما نهراسیدیم . مقاومت کرده و در همانجا متحصن شدیم و حتی کارفرما را در جمع خود نگهداشتیم که البته بعدا بوسیله ماموران مسلح کمیته فزاری داده شد . در ضمن تحصن با مراجعه به وزارت کار و دادگستری و همچنین کمیته های امام ، خواهان رسیدگی به این کار شدیم ولی نتیجه ای حاصل نشد و همه جا جواب سر بالا شنیدیم . ناچار دست به اعتصاب غذا زدیم .

۲۵ روز تحصن همراه با ۴ روز اعتصاب غذا . نتیجه ؟ . . .

هیچ !

در حالی که بازوان پرتوان ما بی عمل و بیجه های ماگرسنه اند ، در حالیکه بحران اقتصادی و تعطیل کارخانه ها ، میمنمان را در آستانه ورشکستگی قرار داده است ، در حالیکه رهبرانقلاب ، ضرورت بکارانداختن چرخهای اقتصاد مملکت را بارها متذکر میشوند ، در حالیکه چرخهای کارگاه مادر حال زنگ زدن و از کار افتادن بود ،

چه باید میکردیم ؟ برای ما کارگران فقط يك راه باقی بود آن : گرفتن کارگاه در دست خود و بکارانداختن چرخهای آن بنا اتکا به نیروی خود .

به این ترتیب روزيك شنبه ۹ اردیبهشت به کارگاه رفتیم و بعد از تعمیر دستگاهها و تقسیم کار ، دست به کار تولید و فروش شدیم .

د و روز کار بدون کارفرما و عمال مزدور به ما چه آموخت ؟
در همین د و روزی که ما کارگران ، خود اداره کارگاه را در دست گرفته ایم باین نتیجه رسیدیم که :
۱- ما قادر به تولید نه تنها برابر ، بلکه بیشتر از سابق هستیم .

۲- میتوانیم هزینه ها را به حد اقل برسانیم .
۳- بدون وجود عاملین کارفرما ، علاوه بر نحوه صحیح تقسیم کار محیط کار صمیمانه ای هم برپا میماند .
۴- ما خود میتوانیم کنترل تولید و فروش را در دست داشته باشیم .

و به این ترتیب ما به کار خود ادامه میدهیم و هیچ کس و هیچ نیروی نمی تواند ما را از این راهی که انتخاب کرده ایم منصرف کند . ما با این اقدام انقلابی خود ثابت کردیم که : کارگران میتوانند و باید کارخانه های تعطیل شده بوسیله کارفرمایان ضد انقلابی را بکار اندازند .

چند نکته روز...

● صبر کنید! صبر کنید!

به کارگران حق طلب ، به دهقانان ستم دیده و به مردم زحمتکش در مقابل درخواستهایشان می‌گویند : " صبر کنید " ، بسیار خوب مگر این زحمتکشان بی‌صبرند ؟ آنها که خون دادند ، ماهها بیکاری کشیدند ، بی نفتی و بی برقی و گرسنگی کشیدند ، مگر بی صبرند ؟ ۰۰۰ اما بقول معروف سالی که نکوست از بهارش پیداست . شما که هنوز هیچی نشده ، هنوز خون شهدا در کف خیابانها خشک نشده ، تحریک میکنید تا عده ای ناآگاه ، کارگران را کتک بزنند ، شما که حرف کارگران بیکار را در رادیو تلویزیون سانسور میکنید ، شما که رئیس بانک مرکزی تان (آقای مولوی) به سرمایه داران فراری میگوید ، آقایان برگردید ، برگردید هیچ خبری نیست ، آقای رضائی برگردید آقای خیامی بیایید ، خیالتان جمع باشد کارگران در اختیار شما هستند که استثمارشان کنید ، وابستگی تان به امپریالیستها را حفظ کنید ، ۰۰۰ آری شما که همه اینکارها را میکنید ولی حاضر نیستید برای کارگران و زحمتکشان کساری اساسی بکنید و حداقل در این موارد طرح و برنامه مثبت و نوئی که امیدوارکننده باشد ، نمیدهید ، چه انتظاری از مردم دارید ؟ وجه دلیلی دارد که از آنها بخواهید صبر کنند ؟ صبر کنند که آقای خیامی بیاید سر جایش ؟ صبر کنند که آقای رضائی بیاید بالای سر کارگران و دوباره آنها را به بند بکشند ؟ صبر کنند قانون اساسی و قانون کاری کسه دلخواه شماست تصویب شود ؟ چیزی هم دست زحمتکشان نرسد ؟ ۰۰۰

● ضد انقلابی و تفرقه انداز واقعی کیست؟

انقلاب مردم ستم دیده ما هنوز به پیروزی کامل نرسیده است . چرا که هنوز بانکها ملی نشده ، صنایع وابسته ملی نشده ، دهقانان زیر ستم زمین داران هستند ، رادیو تلویزیون در انحصاریک عده خاص است ، کارگران بی مزد درخواستهای نظیر ۴۰ ساعت کار در هفته ، مزد مناسب و صندوق بیمه بیکاری و ۰۰۰ نرسیده اند .

انقلابی ، کسی است که تلاش کند تا مردم ستم دیده ، به تمام چیزهایی که در این مرحله از انقلاب باید برسند ، برسند . اما کسانی که امروز به قدرت رسیده اند ، یا کسانی اند که از اول خواهان انقلاب نبوده اند و یا حالا که به منافع خود رسیده اند دیگر حاضر نیستند در پیشبرد انقلاب شرکت کنند . اینها می‌گویند : شاه رفت پس همه چیز تمام شده است . اینها به کارگرانی که خواهان کار ، آزادی ، صندوق بیمه بیکاری و ۰۰۰ هستند ، می‌گویند : " ضد انقلابی " ، و " کمونیست " و ۰۰۰ اینها به مردم ستم دیده کرد و گنبد و ۰۰۰ که حق تعیین سرنوشت می‌خواهند ، می‌گویند " ضد انقلابی " و " تجزیه طلب " ۰۰۰

واقعیت اینست که اینها از پیشرفت انقلاب می‌ترسند . اینها می‌خواهند انقلاب را متوقف کنند ، بنابراین در مقابل مردم حق طلب می‌ایستند ، و از زدن هر نوع تهمت به آنها هراسی ندارند . ۰۰۰ اینها نمی‌خواهند سرمایه داری وابسته از بین برود . اینها نمی‌خواهند آزادی برای مردم ستم دیده وجود داشته

نشاندهنده چنین مبارزه‌ای نبود؟ اگر چنین بود پس برگرداندن سرمایه داران وابسته که عامل استثمارتوده‌های مردم بودند، چه معنایی دارد؟

همه می‌دانند که امپریالیستها بوسیله اعمال داخلیشان، بر اوضاع میهن مامسلط شده بودند. آیا برگرداندن سرمایه داران وابسته مفهومی جز تقویت سلطه امپریالیستهای چپ‌اولگر در میهن ما، خواهد داشت؟ آیا معنای چنین کاری جز خیانت به انقلاب ضد امپریالیستی مردم ما خواهد بود؟ آیا چنین عملی مفهومی جز لگد مال و پایمال کردن خون هزاران شهید خواهد داشت؟ ■

ادامه از صفحه ۱۲

* ۵- پرداخت فوری حقوق بیکاری - نه وام بیکاری - تأمین کار برای کارگران اخراجی و بیکار عضو، از طریق "سند یکای کارگران پروژه‌های (فصلی) آبادان و حومه".

* ۶- کارفرمایان و مقاطعه کاران، رأساً حق استخدام هیچ کارگری را در آینه‌ده نداشته باشند، مگر از طریق "سند یکای کارگران پروژه‌های".

* ۷- ما کارگران پروژه‌های و بیکار آبادان همستگی خود را از کلیه کارگران بیکار (فصلی) و نیروهای مرفی اعلام میداریم. ضمناً پشتیبانی کامل خود را در رسیدگی به خواسته‌های برحق کانون تحصیلکرده - های بیکار و دبیلیم به بالا ی آبادان، که در چمن باشگاه شهرداری متحصن هستند و چهار روز است که بم اعتصاب غذا دست زده‌اند، اعلام می‌داریم.

پشتیبانی و همستگی شما هموطنان مبارز و برادران کارگر سراسر کشور ضامن پیروزی ماست.

ایستگاه ۸ "سند یکای کارگران پروژه‌های آبادان و حومه". ■

باشد. چرا که خوب می‌دانند در این صورت، مردم زحمتکش، خود حاکم بر سرنوشت خود میشوند و این به نفع آنها نیست. بنابراین آنها نعل وارونه می‌زنند و به مردم ستم‌دیده و حق طلب می‌گویند "ضد انقلابی" در حالی که ضد انقلابی واقعی خودشان هستند.

آنها از احساسات مذهبی مردم، سوء استفاده میکنند و عده‌ای ناآگاه را بجان کارگران و دهقانان و روشنفکران و... می‌اندازند. بعد هم می‌گویند آنها اخلاک‌گرو تفرقه‌اننازند، در حالیکه تفرقه‌اند از اصلی خودشان هستند که می‌خواهند مردم را به اسم مذهبی و کمونیست بجان هم بیاننازند. مردم ما خوب بیاد دارند که سرمایه داران در دوران رژیم شاه و خود رژیم شاه هم همینکار را می‌کردند، آنها هم به مردم حق طلب می‌گفتند: "اخلاک‌گر"، "خوابکار کمونیست" و... چرا؟ چون از حق طلبی مردم می‌ترسیدند. این مسئله نشان می‌دهد که تا زحمتکشان، خود حاکم بر سرنوشت شان نشوند، این قصه ادامه دارد.

• یک نفر کم داریم آنهم برگردو؟!!

آقای مولوی مدیرکل بانک مرکزی در مصاحبه ای گفت: "سرمایه داران فراری میتوانند به ایران برگردند" حتی امثال رضائی‌ها. از ایشان باید پرسید: هدف مردم ما از انقلابی که بیش از ۶۰ هزار شهید داشت، چه بود؟

مگر مردم مبارز میهن ما در طول نبرد قهرمانانه خود، امپریالیسم آمریکا و عوام‌ل داخلیش را هدف حمله خود قرار نداده بودند؟ و خواستار ریشه‌کن ساختن سلطه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته نبودند؟ مگر حمله به بانکها و اماکن امپریالیستی و مؤسسات وابسته،

(اخبار کارگری)



● اخراج رئیس بازرسی کارخانه، بوسیله شورا

می‌برد.

استوار تولیت وقاحت و بیشرمی خود را کامل کرده و در کارخانه بدروغ شایع میکند که اهالی ظاهر آباد (روستای نزدیک کارخانه) قصد از بین بردن کارگر مزبور را دارند. تا بدین وسیله این کارگر مبارز را ترسانده و وادار به استعفا نماید. در این موقع شورای کارکنان کارخانه که از طرف خود کارکنان کارخانه انتخاب شده است، از استعفا این کارگر جلوگیری کرده و برسدگی درباره این جریان می‌پردازد. کارگران که متوجه می‌شوند شورا قصد دارد سوابق استوار "تولیت" را بررسی کند، شکایت‌های فراوانی را که در طی سالهای اخیر از "تولیت" جنایتکار داشته‌اند، به شورا ارائه می‌دهند.

یکی از کارگران در شکایت‌نامه خود، چنین نوشته بود:

"موقعی که فرج به کاشان می‌آمد، تعدادی اعلامیه (مربوط به مسافرت فرج به کاشان) در کارخانه پخش شد که مراتب فوراً به پاسگاه ژاندارمری مشکان (روستای نزدیک کارخانه) و ساواک قم اطلاع داده شد و مرا به این اتهام، چندین روز به پاسگاه و ساواک بردند و بعداً نیز مدیر کارخانه گفت: طبق گزارش استوار "تولیت" شما در کارخانه دست به خرابکاری زده‌اید و اخراج هستید و من مدت ۷ ماه بیکار بودم"

در تاریخ ۱۳ اسفند ۵۷، یکی از کارگران کارخانه فرش ماشینی راوند (کاشان) اعلامیه‌ای درباره مسائل کارگری در کارخانه پخش میکند. یکی از اعلامیه‌ها بدست استوار "تولیت" رئیس بازرسی کارخانه می‌افتد. نامبرده شروع به شایعه پراکنی بر علیه کارگر مزبور می‌کند و با گفتن اینکه اعلامیه کمونیستی است و این کارگر تحت تاثیر دو نفر از افراد شورای کارخانه دست به اینکار زده می‌خواهد میان کارگران و شورای کارخانه تفرقه بیندازد.

استوار تولیت ضد کارگر، به این مناسبت نکرده و کارگر مزبور را بکمک چند نفر از دارودسته اش به کمیته امام می‌فرستد. اما در آنجا کمیته پس از مطالعه اعلام می‌کند که پخش اعلامیه مزبور هیچ اشکالی ندارد و کارگر را آزاد می‌کند. ولی "تولیت" مزدور که تیرش به سنگ خورده بود بدروغ شایع می‌کند که کمیته امام گفته: این کارگر کمونیست است و ریختن خون او مباح. او بدین ترتیب سعی میکند کارگران کارخانه را بر علیه رفیقشان تحریک کند. حتی پارا از این هم فراتر گذاشته و صبح روز بعد به اتفاق چند نفر دیگر از دارودسته اش به اطابق مسکونی این کارگر واقع در کوی کارگری حمله کرده، پس از بهم ریختن اثاثیه اطاق، چند جلد کتاب موجود را با خود

ساعت‌ها مذاکره وقتی وزیر کار گفته بود که با خواسته‌های آنها موافق است اما باید صبر کنند (کارگری که ماههاست حقوقی دریافت نکرده چگونه می‌تواند چند ماه دیگر هم صبر کند؟ پس خرج زن و بچه‌اش چه میشود؟) نمایندگان کارگران هم پذیرفته بودند و به کارگران گفته بودند که به شهرهای خود بازگردند (بیشتر کارگران از اهالی شمال هستند) تا نمایندگان به بحث‌های خود ادامه دهند و هر وقت به نتیجه رسیدند ، کارگران را خبر خواهند کرد .

● محضن کارگران کاغذسازی ساری

صنایع کاغذ سازی ساری در " پهنه‌کلا " قرار داشته و وابسته به شرکت " بهمین شیر " میباشد که این شرکت ، متعلق به شاهپور غلامرست است .

حدود ۱۰۰ نفر از کارگران این کارخانه از اواخر فروردین، در دادگستری ساری متحصن شده‌اند . علت تحصن کارگران اینست که کارفرما چهار ماه حقوقشان را پرداخت نکرده است . خواستهای کارگران در این تحصن، بقرار زیراست :

- ۱ - پرداخت حقوق و مزایای عقب افتاده کارگران .
- ۲ - کارگران اخراجی باید بسرکار خود باز گردند .
- ۳ - پرداخت حق مسکن و حق اولاد .
- ۴ - پرداخت بیمه . کسر شده از حقوق کارگران . (چون هیچکدام از کارگران از نظر قانونی بیمه نیستند!)
- ۵ - مابه التفاوت حقوق و مزایای جمعه و ایام بیکاری ، بایسد پرداخت شود .

تعداد شکایت‌ها خیلی زیاد بود و بالاخره شورا در تاریخ ۱۶ اسفند تشکیل جلسه داده و به تمام شکایات رسیدگی می‌کند . ولی چون " تولیت " دیگر دستش کاملاً رو شده بود ، بهتر می‌بیند که فیلم بازی کند ، و بعنوان اعتراض جلسه را ترک می‌کند . سرانجام شورای کارخانه تصمیم به اخراج وی می‌گیرد و اینکار را عملی میکند .

● تکلیف ... کارگر شرکت ساختمانی فسان چیست ؟

۳۰۰۰ کارگر شرکت ساختمانی " فسان " ، چند ماه است که حقوق خود را از شرکت نگرفته‌اند . یکی از روزهای آخر فروردین، حدود ۱۰۰۰ نفر از کارگران این شرکت که در تهران هستند برای گرفتن حقوق خود، جلوی دفتر شرکت در خیابان وصال شیروازی اجتماع کردند و به تبادل نظر با یکدیگر پرداختند . آنان دو نفر نماینده از میان خود انتخاب کردند تا با کارفرما و وزارت کار مذاکره کنند . و قرار گذاشتند که روز سه‌شنبه ۲۸ فروردین در مقابل وزارت کار اجتماع کنند تا نمایندگانشان به مذاکره با وزارت کار بپردازند .

روز سه‌شنبه کارگران در مقابل وزارت کار جمع شدند و پس از چند ساعت صحبت نمایندگانشان با وزارت کار قرار شد بعد از ظهر هم به صحبت خود ادامه دهند . طی مذاکرات بعد از ظهر ، کارگران هم در میان خود شان بحث میکردند و برخی معتقد بودند که: اگر امروز جواب مثبت ندادند ، در شرکت متحصن شوند . از نتیجه مذاکرات معلوم بود که نمایندگان کارگران با پیگیری و استواری بر روی خواسته‌های کارگران پافشاری نکرده‌اند . چون پس از

راهپیمایی ۲۰۰۰ نفر از کارگران ساختمانی پرسونیون

این توطئه‌گران می‌گفتند: ما تا پولمان را نگیریم از اینجا نمی‌رویم.

کارگران از قبل برنامه منطقی ریخته بودند. آنها پلاکارد آورده و غذا آماده کرده بودند، تادر همانجا نشسته و تازمانی که حقوق خورا نگرفته اند، آتجارا تاسرک نکنند.

مقامات شهر وقتی می بینند که کارگران کاملاً مصمم هستند و به هیچ وجه نمی شود اجتماع آنها را به هم زد، بلافاصله شخصی را بنام آقای " مروی" از اهوازمسجد سلیمان می فرستند. این آقا به کارگران قول میدهد که حقوق کارگران را در عرض ۸ روز بتدریج بپردازند. و بدین ترتیب اجتماع کارگران با موفقیت پایان میپذیرد. کارگران این شرکت، کارگرانی هستند که در بخش ساختمانی تلویزیون کار میکنند و در حال حاضر در پی تشکیل سندیکا واقعی خود هستند.



پیروزی شورای دهبخانی روستای قیام آباد

بدنبال مبارزات حق طلبانه دهقانان روستای "قیام آباد" (شاه محله سابق) که در زمان رژیم سابق اراضی خود را از دست داده بودند، در سایه اتحاد و همبستگی خود توانستند زمین های خویش را از طریق

بدنبال مبارزات ۸ ماهه کارگران ساختمانی "پرسونیون" در مسجد سلیمان، برای گرفتن دستمزد عقب افتاده شان، بالاخره در تحصن کارگران، فرماندار مسجد سلیمان قول کتبی داد که روز شنبه ۲۵ فروردین حتما حقوق ها پرداخت خواهد شد. روز شنبه ۲۵ فروردین، کارگران جلوی اداره کار این شهر جمع میشوند. امامی بینند نه از مسئولین اداره کار خبری هست و نه از فرماندار. هیچکس نبود. آنها مخصوصاً برای آنکه جواب کارگران را ندهند، اداره را گذاشته و رفته بودند.

کارگران تصمیم میگیرند که راهپیمایی کنند و بسمت فرمانداری بروند. حدود ۲۰۰۰ نفر از کارگران در این راهپیمایی شرکت داشتند و بطور خیلی منظم این شعارها را میدادند: "حقوق کارگر، پرداخت باید گردد. فرماندار دروغگو اخراج باید گردد. پول - کار - سندیکا" و ...

فرماندار وقتی متوجه میشود که کارگران بسمت فرمانداری می آیند، بلافاصله از فرمانداری خارج شده و میرود. کارگران پس از رسیدن به فرمانداری، در آنجا جمع می شوند. مردم از کارگران حمایت زیادی کرده و با آنها همکاری می کردند.

در این موقع، عده ای از طرف کمیته می آیند تا اجتماع کارگران را بهم بریزند. آنها در میان مردم شایع میکنند که اینها اخلاص گزند و برای اخلاص گری جمع شده اند. اما کارگران که در عرض این مدت ۸ ماه مبارزه برای بدست آوردن حق و حقوقشان، چهره واقعی اشخاصی از این قبیل را خوب شناخته بودند، با خونسردی هرچه تمامتر جلوی هر گونه توطئه آنها را گرفته و نمی گذارند اجتماعشان بهم بخورد. کارگران در مقابل

شدند. برخی از شعارهایی که دهقانان با خود حمل میکردند این بود:

" تا کوتاه شدن دست مرتجعین چون صفائی، رنجبر و ... (مالکین قبلی) تحصن ادامه دارد " ، " مالکین و سرمایه داران ، نظر به نان خورده ما دارند " ، " نابود باد مالکین و سرمایه داران ضدخلق " ، " زمین مال کسی است که روی آن کار میکند . "

● تبعیض میان کارگران و کارمندان اداره راه زاهدان

حدود ۶۰ نفر از کارگران اداره کل راه و ترابری استان سیستان و بلوچستان از روز ۷ اردیبهشت در محل اداره راه در زاهدان دست به تحصن زدند . تحصن کارگران بعنوان اعتراض به عدم پرداخت مزایای شغلی است .

کارگران در اطلاعیه‌ای شرح داده‌اند که مدت یک هفته است بمنظور دریافت ۷۵۰ تومان مزایای شغلی با مقامات اداره کل راه و ترابری مذاکره کرده‌اند ولی به جایی نرسیده‌اند . آنها در اطلاعیه خود آورده‌اند: ماضی انقلاب نیستیم بلکه فرد فرد ما ، سرباز انقلابی هستیم . مزایای شغلی مطابق قانون زمان رژیم سابق ، فقط بکارمندان تعلق میگیرد در حالی که کارگران این اداره خوا - هان در نظر گرفتن این مزایا برای خودشان هم شده‌اند .



شورای دهقانی باز پس گرفته و به زیرکشت ببرند .

اختلافات بر سر این اراضی ، از ۱۲ سال پیش تا کنون ، میان مالکین و دهقانان این روستا ادامه داشته ولی هربارشکایات و مبارزات دهقانان با پارتی‌بازیهای مالکین در ادارات و ژاندارمری ، به جایی نرسیده است . پس از اینکه زمین ها بوسیله شورای دهقانی از دست مالکین خارج گردید ، برای

کشت آماده شد . اما در همین زمان بود که وزیر کشاورزی دولت فعلی ، تصرف زمین ها را بوسیله دهقانان ، غیر قانونی خواند و اعلام کرد در صورتی که دهقانان در پی تصرف زمین هایشان باشند دولت با زور با آنها برخورد میکند .

این گفته وزیر کشاورزی موجب شد که مالکین سابق امیدوار شده و با پشتگرمی از پشتیبانی دولت ، دوباره بفکر گرفتن زمینها از دست دهقانان بیفتند . در روز ۲۸ فروردین ، موقعی که هوا تاریک شده بود ، عده‌ای چماقدار که از طرف مالکین قبلی اجیر شده بودند به خزانه (قطعه زمینی که تخم در آن بحالت نشادرمی آید) و اراضی زیرکشت حمله برده و حاصلزحمت شبانه روزی دهقانان زحمت کش را از بین بردند .

دهقانان که به این ترتیب اولیین شمرات دولت جدید را به چشم خود میدیدند به کمیته امام مراجعه کرده و از آنجایی خواستند و با کمک ۵ نفر از پاسداران حفاظت روستا را بعهده گرفتند . ولی چون کمیته حاضر بشد زمین های دهقانان را به خود آنها برگرداند و بعلاوه هر شب مورد حمله چماق بدستان مالکین واقع میشدند ، از همین جهت روز ۳۰ فروردین با بیل و کلنگ به همراه زن و بچه هایشان و با پلاکارد بر اهیمائی درآمل پرداخته و در فرمانداری شهر متحصن

• دستگیری و تهمت زدن بیک کارگر

روز شنبه ۱۸ فروردین در اهواز، یکی از کارگران بوسیله افراد کمیته امام در مقابل اداره کار دستگیر میشود. آنها او را به کمیته برده و به او تهمت " ضد انقلابی " و " اخلالگر " میزنند و بهمین جرم به دادستانی معرفی میکنند. ولی دادستان اهواز در تحقیقاتی که از وی میکند چون به این نتیجه میرسد که آنها مآت وارده صحیح نیست، وی را آزاد میکند. سپس یکی از فعالین کمیته امام به این کارگر پیشنهاد میکند که با گرفتن ۲۰۰۰ تومان رشوه، اهواز را ترک کند ولی این کارگر، پیشنهاد کمیته امام را رد کرده و میگوید: " من محتاج پول شما نیستم و می خواهم حق خودم را بگیرم "

• سرشق شورای کارخانه فرش ماشینی راوند برای سایر کارگران

از اوائل اسفند ۵۷، شورای کارکنان کارخانه فرش ماشینی راوند (کاشان) برای بستن قرارداد سود ویژه، با کارفرما به مذاکره نشسته بود. ولی هر بار کارفرما به بهانه های مختلف از زیر بار بستن قرارداد شانه خالی میکرد. این مذاکرات چهارروز به طول انجامید. و وقتی شورا پی برد که کارفرما به این سادگیها حاضر نیست حق کارگران را بدهد، اطلاعیه ای در تاریخ نهم اسفند منتشر کرد. در این اطلاعیه نوشته شده بود: " شورا پس از چند روز مذاکره در مورد بستن قرارداد سود ویژه، بانمایندگی کارفرما به توافق نرسیده و موقتا از امروز از خروج فرش از کارخانه، جلوگیری میگردد و اگر چنانچه تا ساعت ۳/۵

بعد از ظهر ۵۷/۱۲/۱۲ قرارداد بسته نشود شورا راسا اقدام بفروش خواهد نمود. " روز ۱۲ اسفند رسید و کارفرما حاضر نشد قرارداد را ببندد. در نتیجه از صبح یکشنبه ۱۳ اسفند، شورای کارخانه فروش نقدی فرشها را آغاز کرد و پس از چهارروز فروش، مبلغ لازم را جهت سود ویژه بدست آورده و در میان کارگران تقسیم کرد. این روش انقلابی شورای کارخانه " راوند" می تواند سرمشق خوبی باشد برای سایر کارخانه هایی که کارگران آن هنوز نتوانسته اند حق و حقوق خود را از کارفرما بستانند.

• اعتصاب و تحصن کارگران قند یاسوج

بیش از ۹۰ نفر از کارگران کارخانه قند یاسوج از روز ۸ یا ۹ اردیبهشت دست به اعتصاب زده و در محل کارخانه متحصن شدند. علت اعتصاب و تحصن کارگران، کمی حقوق و تبعیض میان کارمندان و کارگران کارخانه است. کارگران طی اعلامیه ای شش ماده ای خواستار انجام خواسته های خود شدند. اعتصاب و تحصن کارگران با سخنرانی استاندار، به پایان رسید.

• اخراج کارگران بهمنان ادامه دارد

دو هفته پیش ۸۰ نفر از کارگران اداره ریشه کنی مالاریای شهرستان میناب اخراج شدند. علت اخراج کارگران، این بوده که دیگر به وجود آنها احتیاج نداشته اند! برآستی تا زمانی که نظام سرمایه داری بر جامعه ما حاکم است، سرمایه داران و کارفرمایان تا وقتی که به نیروی کار کارگری احتیاج داشته باشند، او را نگه میدارند و همینکه دیگر احتیاجی بوجود او نباشد مانند یک شیئی زایدی اخراجش میکنند.

کارگران شرکت "نمونه حق خود را میخواهند"

(ما سیکیران آزاد)

کارگران "مخازن سوخت و آب، اسکلت فلزی ماشین الات صنعتی نمونه" نیز همچون سایر برادران کارگیشان مجبورند تا بهار ۶ ماه بیکاری، اخراج، نگرفتن حقوق و... را با تمام مشکلات و نابسامانی‌های آن متحمل شوند. مشکلاتی که تنها و تنها ناشی از سودجویی و غارتگری سرمایه داران و بی‌توجهی دولت موقت به مسائل کارگران است.

ولی همچنان که همیشه ثابت شده است کارگران برای گرفتن حقوق خود دست‌آخبر برای نابودی سرمایه داران و نظام سرمایه داری راهی بجز مبارزه متحد و یکپارچه ندارند. کارگران مبارز شرکت صنعتی نمونه نیز برای گرفتن حقوق خود، دست‌به‌مبارزه با کارفرما شدند. این کارگران که شش ماه حقوق نگرفته بودند و عده‌ای از آنها هم اخراج شده بودند، در تاریخ دوشنبه سوم فروردین طی شکایت‌نامه‌ای به وزارت کار، اعلام کردند که اگر به خواسته‌های آنها پاسخ مثبت داده نشود، در دفتر شرکت دست‌به‌تحصن می‌زنند. روز بعد، تعدادی از کارگران در شرکت اجتماع کردند و پس از مذاکراتی با پیمانکار شرکت و "شورای ویژه بازرسی کار" توانستند پیمانکار شرکت (مهدیانی) را مجبور کنند تا مزایا را بطور کامل بپردازد و همچنین حقوق ۵ ماه بیکاری را نیز به کارگران پرداخت کند.

وقتی حقوق و مزایای عقب‌افتاده کارگران را حساب کردند، معلوم شد که طلب هر کارگر از کارفرما حدود ۱۰ تا ۱۲ هزار تومان میشود، ولی سرانجام مهدیانی به هر کارگر فقط بین ۱۰۰۰ تا ۳۰۰۰ تومان میدهد.

پیروزی با مبارزات کارگران!
زننده با اتحاد و همبستگی کارگران!

ما صیادان، که در طول سالهای سیاه گذشته، همچون دیگر قشرهای زحمتکش، رنج و فشار کار و زندگی را با پوست و استخوان خود لمس کرده‌ایم، حال حق خود میدانیم که بطرز آزاد و با حمایت دولت و کمک آن، هم چنان به حرفه خود بپردازیم.

ما صیادان، در گذشته علیرغم جانفشانی نیمه‌های شب در اعماق دریا بمنظور تغذیه خانواده‌مان، بشکل ناجوانمردانه‌ای ز طرف ژاندارمری و شیلات مورد تهدید بودیم و هر بار که ابزار کارمان (یک قایق و چند شاخه دام) بزور از طرف ژاندارمری و شیلات بغارت میرفت، فقر و گرسنگی، بیشتر بر سر خانواده مان سایه می‌افکند.

ما طی سالهای سیاه دیکتاتوری، همکاران زیادی را شبها در اعماق دریا در پی امرار معاش از دست داده‌ایم، چون آزاده سید نبودیم. ما دیگر به هیچ قیمتی اجازه نخواهیم داد گذشته سیاه تکرار شود.

ما صیادان "محمودآباد"، با گرد - همآئی تاریخ ۵۸/۱/۲۶ و با تشکیل سندیکای کارگران صیاد "محمودآباد"، موجودیت خود را بدینوسیله رسماً اعلام نموده و همبستگی عمیق سندیکارا با سندیکای کارگران صیاد دیگر شهرهای سواحل خزر، اعلام می‌نمائیم.

"صیادان محمودآباد و حومه"

خواسته روستائیان طوالش

اخیراً، بیش از ۱۰۰۰ نفر از کشاورزان روستاهای "پره سر" طوالش دست‌به‌راه پیمائی زدند. در طی این راه پیمائی، کشاورزان این روستاها، خواستار دستگیری ۳ نفر از ملاکین و زمینداران بنام‌های حاج هدایت، ذبیح‌الله و وجیه‌الله شدند.

صفحه خودتان:

کرده و نامه ها و مطالبش را از این بیعد ، همیشه با آن نام برای ما بفرستد . همچنین شغل خود را هم فقط به اینصورت که اگر کارگر است ، بنویسد : "کارگر" و اگر دانشجو است ، بنویسد : "دانشجو" و ... مشخص کند. این از لحاظ جواب دادن به نامه ها و آشنا شدن به نظرات خوانندگان ، مارا کمک خواهد کرد .

رفیق کوراوغلی :

الف - در این مورد حرفت را کاملا " قبول داریم و این را درست می دانیم که خط نشریه ریزاست و در موقع خواندن ، موجب خستگی کارگران می شود . از همین جهت ما ایمن مسئله را از شماره آینده نشریه رعایت خواهیم کرد . همچنین در مورد کم کردن حجم نشریه و در عوض کوتاه کردن مدت انتشار آن ، محدودیت هایی از نظر نیروی بیشتری که "طبعاً" صرف نشریه خواهد شد ، داریم . که امیدواریم بتوانیم این کمبود را هم جبران کرده و از یکی دو شماره دیگر ، نشریه را با حجمی کمتر و با فاصله زمانی ده روز به ده روز یا حتی هفتگی انتشار دهیم .

ب - مطالب اقتصادی را هم از شماره قبل سعی کرده ایم حتی الامکان ساده تر و متنوع تر باشد و باز هم سعی خود را ادامه خواهیم داد تا چقدر موفق شده باشیم .

ج - بخشی از نشریه را هم از شماره آینده به شرح لغات و اصطلاحات مورد لزوم کارگران اختصاص می دهیم .

د - از لحاظ ساده نویسی هم قبول داریم

دوستان خواننده ! هر هفته ، نامه های مختلفی از طرف شما به سازمان ما می رسد که در آن نامه ها ، نظرات انتقادی و پیشنهادی خودتان را مطرح کرده اید و با توجه به اینکه ما با تمام خوانندگان "کارگروه پیش !" ارتباطی سازمانی نداریم تا از آن طریق به انتقادات و پیشنهادات وارده برخورد شود ، از همین جهت لازم دیدیم از این شماره ، بخشی از نشریه را به جواب دادن به نظرات انتقادی و پیشنهادی شما خوانندگان عزیز ، اختصاص بدهیم .

شک نیست که ما خودمان ، به تنهایی هرگز نخواهیم توانست نشریه را آنطور که باید و شاید رشد و ارتقاء داده و آنرا بصورتی که لازمه یک نشریه واقعا " کارگری است ، در آوریم . از همین جهت انتقادات و پیشنهاداتی که از جانب شما خوانندگان "کارگروه پیش !" به دست ما می رسد ، می تواند کمک بسیار زیادی به ما بکند تا این نشریه را بصورتی هر چه بهتر و پربارتر در آوریم .

از همین جهت از کلیه خوانندگان ایمن نشریه ، اعم از کارگران ، روستائیان ، روشنفکران و ... درخواست داریم که نسبت به این نشریه مسئولانه برخورد کرده و نظرات خودتان را که می تواند در رفع اشتباهات این نشریه ، در بهتر شدن محتویات این نشریه ، بسیار موثر واقع شود - از هر طریق ممکن ، برای ما بفرستید . در همین رابطه نکته ای که لازم بتذکر است ، اینست که هر خواننده ای که برای ما نامه می نویسد ، نامی برای خود انتخاب

هسته‌ها را بیمورد دانسته و آن را موجب ایجاد سردرگمی برای کارگران می‌داند. لازم به توضیح است که هر چند وظیفه و برنامه یک سازمان اینست که هر چه بیشتر هسته‌های سیاسی را تشکیل بدهد، در جریان تشکیل-شان شرکت داشته‌باشد و با این هسته‌ها در ارتباط باشد. اما، آیا پراستی می‌توان گفت که تمامی هسته‌ها در رابطه با سازمان‌ها و گروه‌ها قرار می‌گیرند؟ طبعاً نه. بسیار زیاد هستند کارگران مبارزی که معتقد به ایدئولوژی کارگری هستند، اما هیچ ارتباطی با سازمان یا گروه ندارند. در صورتی که ما راه تشکیل هسته‌های سیاسی را به این کارگران نشان بدهیم، چه دلیلی دارد که این کارگر-ان نتوانند خودشان دست به تشکیل هسته بزنند؟

بعبارت دیگر، ما کمبود و نقصان ارتباط-ط‌گیری تشکیلاتی ما با کارگران معتقد به ایدئولوژی کارگری را، از راه ارتباط‌گیری سیاسی حل کنیم. فکر می‌کنیم با این توضیح، رفیق روشن شده‌باشد. اما، در صورتی که توضیح ما قانع کننده نباشد، در پاسخگویی به نوشته مجدد رفیق حاضریم (فقط قدری روشن و مشخص نوشته شود). آن قسمتی را هم که رفیق اشاره به عدم درس‌گیری ما از تجربیات گرانقدر انقلاب در رابطه با "تحلیل کوتاه وضعیت سیاسی-اجتماعی ایران" رفقای



که هنوز کارمان ایراد زیادی دارد، اما سعی خواهیم کرد که نشرشریه را بصورتی درآوریم که در عین ساده‌نویسی، از یکدستی، روانی و استحکام لازم برخوردار باشد.

★ ★ ★

رفیق در باره تصویر روی جلد نشریه پیکار کارگر شماره ۲ انتقادی فرستاده که کاملاً درست است. منتهی باید بگوئیم که این تصویر به هیچ وجه با نظر سازمان چاپ نشده، زیرا که تجدید چاپ این نشریه توسط خود سازمان صورت نگرفته است.

★ ★ ★

رفیق نیز در یک صفحه کلاسور بزرگ نامه ای نوشته و پیشنهاد کرده است که در نشریه به معرفی کتابهای اقتصادی، فلسفی و تاریخی-تکاملی که در بازار موجود بوده و زبان ساده نوشته شده بپردازیم تا از این طریق کارگران علاقمند به مطالعه بیشتری شوند. رفیق همچنین توصیه کرده که توضیحاتی در باره روش مطالعه درست و اصولی برای کارگران بیاوریم. هر دو پیشنهاد رفیق کاملاً مورد قبول ما بوده و سعی خواهیم کرد بتوانیم پیشنهادات وی را عملی کنیم.

★ ★ ★

رفیق در طی یک نامه ۴ صفحه‌ای در کاغذ کلاسور بزرگ، دو مسئله را مطرح کرده است که یکی در مورد هسته‌های سیاسی کارگری و دیگری در مورد سرمقاله "کارگر به پیش" شماره ۲ است. در مورد مطلب اول، "رفیق"، راستش ما کاملاً از انتقادات رفیق سردر نیاموریم و در بعضی از قسمتهای انتقاداتش ابهاماتی برایمان باقی ماند. با وجود این، سعی می‌کنیم تا آنجا که محتوای انتقاد رفیق را فهمیده ایم، نظر خودمان را بنویسیم:

رفیق به این دلیل که هسته‌های سیاسی کارگری در رابطه با سازمان قرار داشته و در این رابطه، آموزش می‌بینند، طرح مسئله

پرداخته‌ایم چراکه در رابطه با لزوم شرکت و فشار آوردن کارگران به دولت، این مسئله لازم بود. اما، بخش دوم انتقاد رفیق در مورد "چرائی" بدست گرفتن رهبری سایر طبقات بوسیله کارگران را اگر رفیق یکبار دیگر به مقاله مراجعه کند، خواهد دید که به تفصیل صحبت کرده‌ایم و کمبودی ندارد.

۲ - درست است. طرح لزوم پشتیبانی متقابل کارگران از مبارزات دانشجویان بر علیه ارتجاع و ضد انقلاب، چیزی بود که تقریباً در نوشته "کاگر، دانشجو، پیوندتان مبارک" بر آن اشاره‌ای شده بود. در مورد "کارگر به پیش شماره ۳": امید داریم این کمبود گزارشات مبارزاتی کارگران، در شماره‌ی ۴ به بعد، رفع شده باشد.

★ ★ ★

رفیقی در کاغذی صورتی رنگ، انتقاداتی در مورد سرمقاله کارگر به پیش شماره ۲ نوشته است که ما جواب آن قسمت از انتقادات رفیق را که در مورد شوره‌های کارگری است موکول به مقاله جامعی که در آینده نزدیکی در این باره خواهیم نوشت می‌کنیم. اما، سایر انتقادات رفیق را درباره سرمقاله قبول داریم و درست است.

★ ★ ★

رفیقی هم در نامه‌ی ۳ صفحه‌ای با تاریخ ۲۵/۱/۵۸ توصیه‌های ارزنده‌ای در رابطه با هدف از انتشار مجله، محتوای آن، و... کرده است که کاملاً مورد قبول است و خاطر نشان می‌کنیم که ضمن اینکه، بخشی از توصیه‌های این رفیق را تاکنون در مد نظر داشته‌ایم و بخشی دیگر را شاید رفیق در ترکیب نشریه از شماره ۴ به بعد ملاحظه کند، در مجموع سعی می‌کنیم در رابطه با توان و آمادگی ما بتوانیم کلیه این توصیه‌ها را بکار ببندیم.

★ ★ ★

حیدر عمو اوغلی و "درس‌های قیام مسکو" لنین کرده بود، راستش تفهیم نشدیم. در بخش دوم انتقادات این رفیق، ما محور انتقاد را بر کلی گوئی و همه جانبه گوئی ای که در سرمقاله شماره ۲ نشریه وجود داشته مشاهده می‌کنیم. محور ما در آن مقاله، لزوم شرکت کارگران در دولت کنونی بوده و برای این کار می‌بایست ضرورت این شرکت را که همان واقعا دمکراتیک نبودن حکومت فعلی است، شرح می‌دادیم. و در همین رابطه نکاتی راجع به جمهوری دمکراتیک خلق و هم چنین حکومت فعلی گفته‌ایم و این، فکرنمی-کنیم آنطور که رفیق نوشته است، کلی گوئی ای بوده باشد که در واقع هیچ چیزی را برای خواننده روشن نکند. البته قبول داریم که مسئله طرح شده در آنجا، دامنه‌اش بسیار وسیعتر از آن چیزی است که در آنجا آورده شد. اما، این چیزی است که درباره‌اش ۲۰ صفحه هم می‌توان نوشت، ۲۰۰ صفحه هم می‌توان نوشت. با وجود همه اینها ما تلاش خود را کردیم که در آن حجم کم، حتی الامکان توانسته باشیم منظور خود را بایبانی ساده به کارگران رسانده باشیم و ادعا هم نمی‌کنیم که در کارمان نقص و کمبودی نبوده ولی نه به این صورتی که تو، به این نقص و کمبود احتمالی ما من زده و پروبالش داده‌ای.

امید داریم همانطور که وعده داده‌ای باز هم برای ما نامه بنویسی و نظرات خود را با ما در میان بگذاری.

★ ★ ★

رفیق دیگری در یک کاغذ معمولی با خود کار قرمز، انتقادات و پیشنهاداتی مطرح کرده است که سعی می‌کنیم فهرستوار جواب دهیم:

۱- در مورد سرمقاله نشریه شماره ۲، بخش اول انتقادات درست است که ما به برتری جمهوری دمکراتیک خلق به حکومت کنونی کم

ادامه از صفحه ۹

کردن جهت ساختن ایرانی آباد و حق بیکاری که تضمینی برای زندگی، و ایمن بودن کارگران در مقابل خطر بیکاری است، خواستی غیر معقول! و ضد انقلابی است؟ آیا تجمع آرام ما، چون کارگروهستیم خرابکارانده است؟ چه کسانی ضد انقلابی هستند؟ ما یا ساواکیها و یا دست نشاندهان و مزدوران کارفرما که به اجتماعات کارگری حمله میکنند؟

ما ضمن محکوم کردن اینگونه اعمال ضد کارگری از دولت موقت انقلابی میخواهیم که ضمن شناسائی این افراد ناباب و دستگیری آنها باطن ضدانقلابی آنها را روشن کند. و از این حرکتهاى ضدانقلابی، ضد کارگری هر چه زودتر جلوگیری کند. ما ضمن اعلام پشتیبانی از تمام کارگران بیکار شده و اخراجی سراسرایران تا بدست آوردن تمام خواستههای خود ایستادگی نموده و از تمام کارگران و نیروهای انقلابی میخواهیم که در این راه ما را یاری رسانند.

خواستههای فوری ما :

- ۱ - ایجاد کار برای کلیه کارگران بیکار.
- ۲ - لغو طرح پیشنهادی وزارت کار در مورد صندوق وام بیکاری و پرداخت حق بیکاری در مواقع بیکاری یا توجه به هزینه زندگی.
- ۳ - واگذاری محلی مناسب جهت اجتماعات برای پیشبرد امر سندیکاهاى کارگری.

رفیقى هم با امضای (یکی از سمپاتیزانهای سازمان) دو انتقاد مطرح کرده که اولی را فکر می کنیم توانسته باشیم از شماره قبلی نشریه رعایت کنیم و دومی را هم (که انتقاد به کارگر به پیش شماره ۱ - آبان ۵۷ است) با این تذکره این اشکال عمدتاً ناشی از نداشتن خط صحیحی از جانب ما برای تشکل (سازما - نی) کارگران بوده است، می پذیریم.

★ ★ ★

رفیق دانشجوئی نامه کوچکی با امضای "یلک دانشجو" فرستاده که در آن ضمن اظهار تاسف از توقیف نشریه شماره ۲ و لزوم انتشار مجدد آن از جانب ما، اشاره به امکان چاپی ثی کرده است که برای چاپ مجدد نشریه دارد. در مورد اول که قطعاً رفیق متوجه شد که ما علیرغم اینکه نتوانستیم نشریه ها را از توقیف کمیته بیرون آوریم، که احتمالاً آنها را از بین برده اند، مجدداً آنرا منتشر کردیم. اما، در مورد دوم از رفیق می خواهیم با سازمان تماس گرفته و امکان چاپی اش را که بسیار مسرود نیاز ماست، در اختیار سازمان قرار دهد.

★ ★ ★

البته در جوابگوئی به نامه ها، برخی از قسمت های نامه ها را جواب ندادیم. این به آن علت است که این قسمت ها در نامه های دیگری هم سؤال شده بود که برای جلوگیری از تکرار، در آن نامه ها جوابش را داده ایم با امید اینکه شما، خوانندگان عزیز این نشریه باز هم ما را در جریان نظرات انتقادی و پیشنهادی خودتان بگذارید، دست همگی شمارا می فشاریم. ■



کارگران اخراجی و بیکار شده اهواز

و حومه

۱۳۵۸ / ۱ / ۱۶



کارگران . راهپیمائی ...

ادامه از صفحه ۳۱

اجتماعی در دانشگاه برپا شده بود. بهمین دلیل کارگران با مزاحمت‌های بسیار زیادی از طرف عناصر ارتجاعی که قصد داشتند از حرکت کارگران بسمت باغ شمال جلوگیری کنند، رو برو شدند ولی با همه تلاشی که عناصر ارتجاعی کردند، زنان کارگر کارخانه ماشین سازی و کارگران بیکار، سدا رتجاع را شکستند و به باغ شمال رفتند .

اهواز

در اهواز نیز مراسم روز جهانی کارگر، توسط عده‌ای ضد کارگر بهم خورد ، ساعت ۴ بعداز ظهر روز ۱۱ اردیبهشت ، کارگران بیکار و اخراجی اهواز ، از "فلکه زیتون کارگری" ، راه پیمائی بسمت باشگاه کار-گران را شروع کردند . این راه پیمایی توسط عناصر مرتجع که با چوب و چاقو به کارگران حمله کردند ، بهم خورد . در این یورش وحشیانه ، ۸ کارگر مجروح شدند .

عده‌ای از کارگران، بعداز متفرق شدن، بسمت باشگاه کارگران رفتند ، ولی باز عناصر تحریک شده و ضدانقلابی ، تحت حمایت کمیته امام، در کمین بودند تا عمل وحشیانه خود را تکرار کنند . آنها پلاکاردها را پاره کردند و از سخنرانی کارگران جلو گیری نمودند . کارگری می‌گفت :

" من بعداز ۲۶ سال ، دلم خوش بود که امروز یک جشن واقعی میگیریم که آنهم اینطور شد . "

رفقای کارگر !

شرح مفصلتر راهپیمائی‌های روز کارگر، در تهران و شهرستانها ، در هفته نامه " بیکار " شماره‌های ۲ و ۳ آمده شده است .

کارفرمای برد محصول رنج بشمارم

همدم ابزار و کارم

چکش و سندان و گیره ، روز و شب در دست دارم

تا جهد برقی به سویم

من ز دیده اشک بارم

کارفرمای برد محصول رنج بشمارم

جوشکارم ، جوشکارم ، جوشکارم

هر کجا بینی بنائی ، یادگار زنده دارم

از پس یک عمر زحمت ، درد و رنج آشکارم

تکه های آهنی را بر سر هم میگذارم

تا که برجی را به اوج آسمانش می رسانم

کارفرمای برد محصول رنج بشمارم

جوشکارم ، جوشکارم ، جوشکارم

از برای لقمه‌ای نان ، دامنم اندر تلاشم

جان دهم ، ناچار هستم گریه حال مرگ باشم

کس نداند حال زارم ، روزگار دلخراشم

چشم طفلم هست بر ره تا که ببیند شب ، معاشم

کارفرمای برد محصول رنج بشمارم

جوشکارم ، جوشکارم ، جوشکارم

آه ! زیر بار ، بشکست پشت و استخوانم

وه ! چه گویم ، روشنی هرگز نبیند آشیانم

روز بیکاری و بیماری ، چگونه بگذرانم

درد جانفرسای قلبم ، میزند آتش به جانم

کارفرمای برد محصول رنج بشمارم

جوشکارم ، جوشکارم ، جوشکارم

این شعر که به وسیله یک کارگر سندیکا ی

فلزکار و مکانیک سروده شده ، در جشن

اول ماه مه در این سندیکا خوانده شد .

اعتراضات رانندگان تاکسی مشهد

- ۲ - ماتاکسی رانان ، خواهان برکناری " سرهنگ هاشمی" و هیئت مدیره شرکت هستیم و میخواهیم که جای آنها را نمایندگان واقعی ما بگیرند .
 - ۳ - ماتاکسی رانان که هر لحظه در خطر مرگ و تصادف هستیم ، خواهان بیمه شدن خود و خانواده خود هستیم .
 - ۴ - خرید و فروش تاکسی ، فقط باید وسیله شرکت انجام گیرد و از شرکت بدون بهره خرید شود .
 - ۵ - تاکسی های تلفنی نباید مزاحم کار مسافرکشی تاکسی های عمومی بشوند .
 - ۶ - ما خواهان صندوق وام بیکاری در مواقعی که به آن احتیاج داریم مانند تصادف و بیماری هستیم .
 - ۷ - ما خواهان استفاده از امکانات شرکت مانند شرکت تعاونی مصرف ، باشگاه و ... هستیم .
 - ۸ - ما خواهان رسیدگی به وضع خانواده رانندگان شهیدی هستیم که در جریان انقلاب شهید شده اند .
- پیروز باد مبارزات زحمتکشان ایران

رانندگان زحمتکش تاکسی در مشهد ، طی اجتماعاتی که در محل کمیته امام ، شرکت تعاونی تاکسیرانی ، استانداری و سالن ورزشی " مهران" برگزار کردند ، ضمن اعتراض به وضع نایسایمان شرکت تاکسیرانی و اشاره به سرسپردگی هیئت مدیره شرکت ، که ریاست آن بعهده یک سرهنگ بنام " سر - هنگ هاشمی" است به کار مسافرکشی اتو - مبلهای شخصی اعتراض کردند . رانندگان در آخرین اجتماع ، در سالن ورزشی "مهران" تصمیم گرفتند تا نمایندگان واقعی خود را انتخاب کرده و هیئت مدیره قبلی را برکنار کنند. و هیئت مدیره جدیدی را که از خود رانندگان باشد ، انتخاب نمایند .

رانندگان در اجتماع خود ، قطعنامه ۸ ماده ای خود را به تصویب تمام رانندگان تاکسی مشهد رساندند .

متن قطعنامه ۸ ماده ای رانندگان تاکسی مشهد :

- ۱ - ما رانندگان تاکسی می خواهیم که از مسافرکشی شخصی ها جلوگیری شود ، و الا خودمان اقدام خواهیم کرد .



مدت کاری که کارگر در اختیار کارفرما میگذارد، کدام است

سرمایه داران برای استثمار کارگران، همیشه سعی میکنند تا می توانند، از آنها کار بکشند. از این رو، "مدت کار" کارگران از نظر آنان، فقط آن ساعاتی است که کارگر در کارخانه برای سرمایه دار کار میکند. در قانون کار رژیم پهلوی، مدت کار را اینطور تعریف کرده اند:

"مقصود از ساعات کار، مدتی است که کارگر به منظور انجام کار در اختیار کارفرما می باشد و اوقات استراحت و صرف غذا، جزء ساعات کار محسوب نمی شود."

با این ترتیب، سرمایه داران در کمال پروائی و وقاحت، آن مدتی از وقت کارگران را که در سرویس هنگام رفت و برگشت صرف می شود و نیز وقت نهار را جزء ساعات کار بحساب نمی آورند.

پس با این ترتیب، ساعات کار در "قانون کار" جدید - که بر مبنای منافع کارگران تدوین می شود - باید اینگونه باشد:

"مدت کار"، زمانی است که یک کارگر برای کارفرما وقت می گذارد و کار می کند. به عبارت واضح تر، از زمانی که کارگر سوار سرویس می شود، تا زمانی که در برگشتن از کارخانه، از سرویس پیاده می شود، جزء ساعات کار محسوب شده و باید به کارگر حقوق پرداخت شود.

آزادی بیان و عقیده که حق کارگران است باید در قانون کار جدید تأمین شود.

در زمان رژیم پهلوی، هیچ کارگری حق نداشت در کارخانه، حرفی بزند که بر ضد سرمایه داران یا حکومت شاه خائن باشد. هرکس کوچکترین حرف حق می زد، بلافاصله سروکارش با ساواک بود و سرانجام مشهم اخراج یا حتی زندان.

اما مردم ما مبارزه کرده اند تا رژیم آزادی کشور را از بین برده و به آزادی واقعی برسند. به همین جهت کارگران حق دارند در کارخانه بر علیه زورگوئی ها و حق کشی های کارفرمایان و نوکران مزدورشان در کارخانه، سیاست های نادرست دولت مبارزه کرده و سایر کارگران را از بهره کشیهای کارفرمایان و فشارهای نوکمران مزدور آنها، آگاه سازند.

کارگران حق دارند از سیاست های نادرست دولت، که به نفع کارگران و سایر زحمتکشان نیست، و منافع آنها را زیر پا می گذارد، انتقاد کرده و کارگران ناآگاه را در این مورد، آگاه کنند. و کسی حق مزاحمت برای آنها را ندارد. اعم از عمال کارفرما، پلیس، افراد کمیته امام و هرکسی که بخواهد مانع آزادی باشد.

در قانون کار جدید - که باید بر مبنای منافع کارگران تدوین شود، باید حق آزادی بیان و عقیده برای کلیه کارگران تأمین شده

گوشه‌ای از :



تظاهرات زنان و مردان کارگر،



در روز اول ماه مه



از انتشارات سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

هشتم خرداد ماه ۱۳۵۸